تنها ره رهایی

علی اکبر مهدی پور



بسم الله الرحمن الرحیم

تنها راه رهایی

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

عطرعترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تنها راه رهایی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور. علی اکبر . ۱۳۲۰.

عنوان ونام پدیدآور : تنها ره رهایی. نویسنده علی اکبر مهدی پور

مشخصات نشر : قم: عطر عترت، ۱۳۹۱

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۳-۰۴۰-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸

یاد داشت : کتابنامه ۸۷ ص

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : امام مهدی. انتظار

موضوع : امام مهدی. غیبت کبری. وظایف

رده بندی دیوئی : ۲۹۷/۲۶۴

رده بندی گنگره : ۱۳۹۱ ۷ و ۷۶۸۵ م/BP۲۲۴

شماره کتابشناسی ۲۰۳۵۱۰۸

ص: ۱

اشاره

«يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا بِبِضاعَةٍ مُزْجاةٍ»

ای عزیز!

دردی جانکاه بر ما و کسان ما فروریخته، و اینک با بضاعتی اندک به سویت آمده ایم.

ای عزیز فاطمه!

در کام طوفان ها فرو رفتیم، در زیر ضربات دشمن لگدکوب شدیم، سایه سنگین فتنه ها را بر شانه های خود لمس کردیم. در هر گوشه ای صدای دادخواهی بلند شد، با یک دنیا امید به سویش دویدم و نومید برگشتیم.

و اینک، برخیز!

برخیز و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریز، پرچم حق را بر فراز گیتی برافراز و ریشه ظلم و ستم از روی زمین برانداز.

ص: ۵

زمزمه عاشق منتظر

ای کهفِ حصین، ای دُرِّ ثمین، ای خورشید پرده نشین، گوشه چشمی بنما به دل های غمین.

ای حجّت ثانی عشر ای شب دیجور را ستاره سحر، ای امام غایب از نظر، از منتظران رنجورت دریغ مفرما یک نظر.

ای فرزند عسکری، ای سلیل محمّدی صلی الله علیه و آله ، ای غریو حیدری علیه السلام ، بر منتظران قدمت ز کرم نما نظری.

ای ابر فیض بار، یا روح نوبهار، ای ز خوان کرمت ما سوا ریزه خوار، از دل سوختگان کویت «یک نگاه» دریغ مدار.

ای پیشوای حلّ و حرم، ای وجودت افضل نعم، ای در انتظارت جمله اُمم، برخیز و آرزوی مشتاقان برآور، ای سحاب کرم.

ای آفتاب جهانتاب، ای جمله ماسوا ز خوان کرمت فیض یاب، به ظهورت شتاب، به ظهورت شتاب.

ای مسیحا نفس، ای همه درماندگان را دادرس، ای هر چه افتاده تو فریادرس، به فریاد رس، به فریاد رس.

ص: ۶

تنها امید

این خورشید فروزان که روشنگر پهنه زندگی است، چه بی رحمی ها و سنگدلی ها دیده، بر چه شاخ و برگ های برومند که به ستم در درختزار زندگی خشک شده اند تابیده است.

این مهتاب غمرنگ که با هاله ای اندوهبار، همچون اشک در چشم آسمان می غلطد شاهد چه جنایاتی است که بر مظلومان رفته است.

این خزان که خشمگین از راه می رسد و برگ درختان را بی رحمانه می ریزد، خود می بیند که در گلستان زندگی برگ و گلی نمی ماند.

دنیایی که در آن زندگی می کنیم دردآلود و درد زاست. سراسر درد و اندوه است و آینده ای که در برابر دیدگان ترسیم می شود، تاریک، ابهام آمیز و یأس آور است.

روانشناسان و روانکاوان تنها راه درمان این دردها را در بازگشت به معنویّت جستجو می کنند، تا با کمک ادیان کابوس یأس و ناامیدی را از افق زندگی به دور انداخته، فروغ امید و آرزو را به دیدگان نگران این مردمان بازگردانند.

هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می کنیم، کتب آسمانی را سراسر امید و سرشار از نویدهای بهروزی می یابیم و اینک نگاهی گذرا به چند حدیث رسیده از پیشوایان معصوم که «راه رهایی» از این فتنه های تیره و تار را برای ما بیان فرموده، دریچه امید به سوی آینده ای سرشار از امید و نوید را در برابر دیدگانمان ترسیم می نماید.

ص: ۷

۱ ــ شیخ مفید قدس سره با سلسله اسنادش از ابوخالد کابلی روایت کرده که گفت: حضرت علی بن الحسین علیهماالسلام به من فرمودند:

یا أَبا خالِدُ! لَتَأْتِیَنَّ فِتَنٌ کَقِطَعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ، لا یَنْجُو إلاّ مَنْ أَخَذَ اللّه ُ میثاقَهُ؛

ای ابا خالد! بی گمان فتنه هایی چون شب تیره و تار فراخواهد رسید، که رهایی نخواهد یافت، جز کسی که خداوند از او پیمان گرفته باشد.(۱)

۲ ــ مرحوم کلینی حدیثی را با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت می کند که در آن حوادث و رخدادهای دوران غیبت و فتنه های شکننده آن تشریح می شود و در فرازی از آن امام علیه السلام می فرماید:

فَلا یَنْجُو إِلاّ مَنْ أَخَذَ اللّه ُ میثاقَهُ، وَ کَتَبَ فی قَلْبِهِ الاْءیمانَ، وَ أَیَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ ؛

از این فتنه ها رهایی نمی یابد جز کسی که خداوند از او پیمان گرفته باشد و ایمان را در دلش نوشته باشد و او را با روحی از خود تأیید نموده باشد.(۲)

۳ ــ شیخ صدوق رضی الله عنه با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

سَتُصیبُکُمْ شُبْهَهٌ فَتَبْقُونَ بِلا عَلَمٍ یُری وَ لا إمامٍ هُدیً، وَ لا یَنْجُو مِنْها إِلاّ مَنْ دَعا بِدُعاء الْغَریقِ ؛

شُبهه ای برای شما پیش خواهد آمد که بدون نشانِ آشکار و امامِ هدایت شعار خواهید ماند، از آن شبهه رهایی پیدا نمی کند، جز کسی

۱- ۱ ــ شیخ مفید، الأمالی: ص۴۵، مجلس ۶، ح۵.
۲- ۲ ــ کلینی، الکافی: ج۱، ص۳۳۶، باب فی الغیبه، ح۳.

که دعای غریق را بخواند.

عبد اللّه بن سنان _ راوی حدیث _ عرضه داشت:

دعای غریق چگونه است؟ امام علیه السلام فرمود:

یا أَللّه ُ یا رَحْمانُ یا رَحیمُ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبی عَلی دینِکَ ؛

ای خدا، ای رحمان، ای بخشایشگر، ای دگرگون کننده دل ها، قلب مرا بر دین خود ثابت و استوار بدار.

عبد اللّه بن سنان عرضه داشت:

یا اللّه یا رحمن یا رحیم، یا مقلّب القلوب _ و الأبصار _ ثبّت قلبی علی دینک.

امام علیه السلام فرمود:

آری خداوند دل ها و دیده ها را دگرگون می سازد، ولی همان گونه که من گفتم، بگو.(۱)

این حدیث شریف صریح است که در دعاهای رسیده از معصوم علیه السلام نباید تصرّف کرد و به دلخواه کم و زیاد نمود.

۴ _ مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

طُوبی لِعَبْد نُوَمَة، عَرَفَهُ اللّه ُوَ لَمْ یَعْرِفْهُ النّاسُ ؛

خوشا به حال بنده بی نام و نشان، که خداوند او را بشناسد، ولی مردمان او را نشناسند.(۲)

آنگاه از امیر مؤمنان علیه السلام در همین رابطه روایت کرده که فرمود:

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین: ج۲، ص۳۵۲، ح۴۹.

۲- ۲ _ کلینی، الکافی: ج۲، ص۲۲۵، باب الکتمان، ح۱۱.

طُوبی لِکَلِّ عَبْدٍ نُوَمَهٍ لا یُؤبَهُ لَهُ، یَعْرِفُ النّاسَ وَ لا یَعْرِفُهُ النّاسُ ؛

خوشا به حال هر بنده بی نام و نشان که در جامعه مورد توجّه نباشد، او مردمان را بشناسد، ولی مردمان او را نشناسند.(۱)

امیر بیان در فرازی از یک خطبه طولانی می فرماید:

وَ ذلِکَ زَمانٌ لا یَنْجُو فیهِ إلاّ کُلُّ مُؤمِنٍ نُوَمَهٍ، إنْ شَهِدَ لَمْ یُعْرَفْ، وَ إِنْ غابَ لَمْ یُفْقَدْ ؛

و این زمانی است که در آن رهایی نمی یابد جز فرد با ایمانِ بی نام و نشان، اگر در مجلسی حضور یابد شناخته نشود و اگر از مجلسی غایب باشد به جستجویش نپردازند.(۲)

امام صادق علیه السلام در فرازی از یک حدیث شریف، از امیر مؤمنان علیه السلام روایت می کند که بر فراز منبر کوفه فرمود:

إِنَّ مِنْ وَرائِکُمْ فِتَنا مُظْلِمَهً عَمْیاءَ مُنْکَسِفَهً، لا یَنْجُو فیها إلاَّ النُّوَمَهُ ؛

پس از شما فتنه های تیره و تار و سر در گم کننده ای است، که در آن رهایی نمی یابد، جز افراد بی نام و نشان.

پرسیدند: ای امیر مؤمنان! «نُوَمَهَ ؛ افراد بی نام و نشان» چه کسانی هستند؟ فرمود:

اَلَّذی یَعْرِفُ النّاسَ وَ لا یَعْرِفُونَهُ ؛

کسی که مردم را بشناسد، ولی مردمان او را نشناسند.(۳)

ابن اثیر در تفسیر واژه «نُوَمَه» می نویسد:

ابن عبّاس روایت کرده که از علی علیه السلام پرسیدند: «نُوَمَه» چیست؟ فرمود:

ص: ۱۰

۱- ۱ _ همان: ح۱۲.

۲- ۲ _ سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳ (ترجمه شهیدی، ص۹۵).

۳- ۳ _ نعمانی، الغیبه، ص۱۴۱.

اَلَّذی یَسْکَتُ فِی الْفِتْنَهِ، فَلا یَبْدُو مِنْهُ شَیءٌ ؛

نُوَمَه کسی است که در فتنه، مُهر سکوت بر لب می زند و چیزی از او ظاهر نمی شود.(۱)

در این سه حدیث که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان صلوات اللّه علیه در منابع اولیه نقل شده، از افراد بی نام و نشان ستایش شده و در تعریف واژه «نُوَمَه» آمده است که:

۱. نُوَمَه فرد آگاه و هشیار، که مردمان را می شناسد، ولی مردم او را نمی شناسند.

۲. فرد گمنامی که مورد توجّه مردمان نیست.

۳. فرد بی نام و نشان، که اگر در مجلسی حضور داشته باشد او را نشناسند و اگر در مجلسی حضور پیدا نکند، کسی سراغ او را نگیرد.

۴. شخص متین و با احتیاط که در فتنه ها وارد نشود و سخنی از او منتشر نشود و هرگز سوژه به دست کسی ندهد.

۱- ۱ _ ابن اثیر، النّهایه فی غریب الحدیث والأثر، ج۵، ص۱۳۱.

تنها ره رهایی

اشاره

شیخ صدوق رحمه الله از علی بن عبد اللّه ورّاق، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، روایت می کند که گفت:

به خدمت ابو محمّد، حسن بن علی (امام عسکری) علیهماالسلام رسیدم، در نظر داشتم که از آن حضرت پیرامون جانشین آن حضرت پس از خودش بپرسم، پس آن حضرت ابتداءً فرمود:

یَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَمْ یُخَلِّ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ علیه السلام وَ لَا یُخَلِّیهَا إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَهُ مِنْ حُجَّهٍ لِلَّهِ عَلَی خَلْقِهِ.

بِهِ یَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ بِهِ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ وَ بِهِ یُخْرِجُ بَرَکَاتِ الْأَرْضِ؛

ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از روزی که آدم علیه السلام را آفریده هرگز خالی نگذاشته، و تا روز قیام رستاخیز خالی نمی گذارد روی زمین را از حجّت خویش بر مردمان، که به وسیله او بلا را از اهل زمین دفع می کند و به سبب او بارانش را می فرستد و برکات زمین را ظاهر می سازد.

احمد بن اسحاق گوید: عرضه داشتم: ای فرزند پیامبر! بعد از شما امام و خلیفه کیست؟

پس امام علیه السلام از جای برخاستند و به شتاب وارد منزل شدند، هنگامی که بیرون آمدند، پسر بچّه ای را بر دوش خود داشتند که صورتش همانند ماه

چهارده شبه بود و سه ساله به نظر می رسید.

آنگاه فرمودند:

یَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللّه ِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِی هَذَا.

إِنَّهُ سَمِيُّ رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وَ كَنِيُّهُ الَّذِی يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً ؛

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! مَثَلُهُ فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ مَثَلُ الْخَضِرِ علیه السلام وَ مَثَلُهُ مَثَلُ ذِی الْقَرْنَيْنِ وَ اللَّهِ لَيَغِيبَنَّ غَيْبَهً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَهِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛

ای احمد بن اسحاق! اگر نبود که تو بر خدای عزّ وجلّ و بر حجج خدا عزیز و گرامی هستی، این فرزندم را به تو عرضه نمی کردم.

او همنام پیامبر خدا و هم کنیه آن حضرت است، آن که زمین را از قسط و عدل آکنده سازد، همان گونه که با جور و ستم پر شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! مَثَل او در میان این امّت مَثَل خضر علیه السلام است. وَ مَثَل او مَثَل ذِی القرنین است.

به خدا سوگند او غایب می شود، یک غایب شدنی که در آن دوران غیبت، از هلاکت رهایی نمی یابد به جز:

۱) کسی که خداوند عزّ و جلّ او را در اعتقاد به امامت او ثابت و استوار نگه داشته باشد.

۲) و او را برای دعا به تعجیل فرج آن حضرت موفّق نموده باشد.

احمد بن اسحاق گوید: به محضر آن حضرت عرض کردم: ای مولای من! آیا علامت و نشانی هست که دلم با آن اطمینان پیدا کند.

پس آن پسر بچّه ــ که درود بر او باد ــ با زبان عربی فصیح فرمود:

أَنَا بَقِیَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثَراً بَعْدَ عَیْنٍ یَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ!؛

من بازمانده حجج خداوند در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خداوند هستم. ای احمد بن اسحاق! پس از دیدن دیگر از نشان مپرس.

احمد بن اسحاق گوید: شاداب و خرامان از دودمان امامت بیرون آمدم.

روز بعد به محضر آن حضرت شرفیاب شدم و عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا! شادی و مسرّت من بسیار فراوان شد، از آنچه بر من منّت نهادی، آن سنّت جاری در آن حضرت از حضرت خضر و ذِی القرنین چیست؟ فرمود:

طُولُ الْغَیْبَهِ یَا أَحْمَدُ! ؛

به درازا کشیده شدن دوران غیبت، ای احمد!

عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا! آیا غیبت آن حضرت خیلی طولانی می شود؟ فرمود:

إِی وَ رَبِّی، حَتّی یَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْاَءَمْرِ أَکْثَرُ الْقَائِلِینَ بِهِ وَ لا یَبْقَی إِلاّ مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَهْدَهُ لِوَلایَتِنَا وَ کَتَبَ فِی قَلْبِهِ الْاءِیمَانَ وَ أَیَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛

آری، سوگند به پروردگارم، تا برگردد از این امر بیشتر کسانی که به آن معتقد بودند.

بر این اعتقاد باقی نمی ماند به جز:

۱) کسی که خداوند عزّ وجلّ از او برای ولایت ما تعهّد گرفته باشد؛

۲) و ایمان را در دلش نوشته باشد ؛

۳) و او را با روحی از خود تأیید فرموده باشد.

یَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللّه ِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللّه ِ وَ غَیْبٌ مِنْ غَیْبِ اللّه ِ، فَخُذْ ما آتَیْتُکَ وَ اکْتُمْهُ وَ کُنْ مِنَ الشّاکِرِینَ تَکُنْ مَعَنَا غَداً فِی عِلِّیِّین ؛

ای احمد بن اسحاق! این امری از اوامر خدا، رازی از رازهای خدا و سرّی از اسرار خدا می باشد.

آنچه را که به تو عطا کردم فراگیر و آن را مخفی بدار و از سپاسگزاران باش، تا فردای قیامت در أعلی علّیین در کنار ما باشی.(۱)

شیخ صدوق رحمه الله در پایان می نویسد:

من این حدیث را منحصرا از «علی بن عبد اللّه ورّاق» شنیدم، که به خطّ خود آن را ثبت کرده بود. سپس از او پرسیدم، آن را از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن اسحاق _ رضی اللّه عنه _ روایت نمود، همان گونه که در اینجا آوردم.(۲)

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۸۴.

۲- ۲ _ همان، ص۳۸۵.

بررسی سندی

این حدیث شریف را شیخ صدوق قدس سره با سه واسطه از محضر مقدس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که هر سه معتبر و مورد اعتماد می باشند:

۱ _ علی بن عبد اللّه ورّاق

ایشان از مشایخ شیخ صدوق است که شیخ صدوق به کثرت از او روایت کرده و در حقّ او طلب مغفرت نموده است که به چند مورد از آن ها اشاره می کنیم:

الف) علل الشرایع، به تعبیر: حدّثنا علیّبن عبداللّه الورّاق، رضی اللّه عنه.(۱)

ب) من لا یحضره الفقیه، به تعبیر: وروی علیّ بن عبد اللّه الورّاق، رحمه اللّه.(۲)

ج) التّوحید، به تعبیر: حدّثنا علیّ بن عبد اللّه الورّاق، رحمه الله .(۳)

و در موردی از ایشان به همراه: «علی بن احمد بن موسی الدّقّاق» نام برده، سپس فرموده: رضی اللّه عنهما.(۴)

و در مواردی از ایشان به همراه عدّه ای از مشایخ خود نام برده، سپس فرموده: رضی اللّه عنهم.(۵)

۱- ۱ _ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج۲، ص۲۳۵، باب ۱۷۰، حدیث یک؛ ص۵۲۷، باب ۳۷۳، حدیث یک.
۲- ۲ _ همو، الفقیه، ج۳، ص۶۵ ح۲۱۸.
۳- ۳ _ همو، التّوحید، ص ۳۶۰، باب۵۹، ح۵ و۶.
۴- ۴ _ همو، کمال الدّین، ج۲، ص۳۷۹، باب ۳۷، ح ۱.
۵- ۵ _ همان، ص۳۳۶، باب ۳۳، ح ۹ والخصال، ج۲، ص۶۰۳، ح۹ والتوحید، ص۴۰۶، باب۶۳، ح۵.

و در مواردی فرموده: رحمهم اللّه.(۱)

دیگر مواردی که شیخ صدوق رحمه الله از ایشان حدیث نقل کرده بسیار فراوان است.(۲)

شیخ بهایی قدس سره می نویسد:

گاهی اسامی راویانی در کتب حدیث آمده که در کتب رجالی جرح یا تعدیل نشده اند، جز این که بزرگان علمای متقدّم به آنها اعتنا کرده، از آنها به کثرت روایت کرده اند و بزرگان مشایخ متأخّر ما به صحّت آن روایات حکم کرده اند. همین مقدار برای حصول ظنّ به عدالت آنها کافی می باشد.(۳)

محقّق داماد نیز در این رابطه می فرماید:

مشایخ بزرگ ما اساتیدی داشتند که آنها را تکریم می کردند، از آنها به کثرت حدیث نقل می کردند و پس از نام آنها ملتزم بوده اند که رضی اللّه عنه یا رحمه اللّه بگویند، این ها بزرگوار و جلیل القدر هستند و حدیث از ناحیه آنها صحیح و مورد اعتماد می باشد، چه در کتب رجالی به وثاقت و عدالت آن ها تصریح شده باشد، یا نشده باشد.(۴)

علامه مامقانی شیخ صدوق را که از آنها به کثرت روایت کرده و به دنبال نام آنها جمله: «رضی اللّه عنه» آورده، فهرست کرده، سپس بیان میرداماد را نقل فرموده است.(۵)

۱- ۱ ــ همو، التوحید، ص۲۴۱، باب۳۵ ح۱.

۲- ۲ ــ شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج۱، ص۲۴ و۲۴۵ ؛ ج۲، ص۸۶ ؛ علل الشرائع: ج۲، ص۳۲۲؛ التوحید: ص۳۶۹؛ معانی الأخبار: ص۴۲.

۳- ۳ ــ شیخ بهایی، مشرق الشّمسین، ص۱۰ (و در ضمن الحبل المتین، ص۲۷۶).

۴- ۴ ــ میرداماد، الرّواشح السّماویّه، ص۱۰۷ (چاپ دیگر، ص۱۷۲).

۵- ۵ ــ مامقانی، تنقیح المقال، ج۳، خاتمه، ص۹۰، چاپ سنگی.

بر این اساس «علی بن عبد اللّه ورّاق» مورد اعتماد و استناد است و روایت از ناحیه او صحیح و معتبر می باشد.

امّا دیگر راویان حدیث:

۲ _ سعد بن عبد اللّه

ابو القاسم، سعد بن عبد اللّه بن أبی خلف اشعری، از بزرگان محدّثان می باشد.

نجاشی پیشوای رجالیّون در حقّ او می نویسد:

شیخ طائفه، فقیه و چهره شاخص طائفه بود.(۱)

شیخ طوسی رحمه الله نیز در حقّ او می نویسد:

جلیل القدر، واسع الأخبار، کثیر التّصانیف و ثقه می باشد.(۲)

علاّمه حلی پس از نقل همان واژگان اضافه می کند:

شیخ طائفه، فقیه و وجیه طائفه بود و با امام عسکری علیه السلام دیدار کرده بود.(۳)

سید ابن طاووس فرموده است:

بر وثاقت، عدالت و فضیلت او اتّفاق نظر هست.(۴)

شهید ثانی نیز در این رابطه می نویسد:

در میان اصحاب ما اختلافی در جلالت، وثاقت و وفور علم او نیست.(۵)

۳ _ احمد بن اسحاق

ابو علی، احمد بن اسحاق بن عبد اللّه بن سعد بن مالک بن أحوص

۱- ۱ _ نجاشی، الرّجال، ص۱۷۷ ق رقم۴۶۷.

۲- ۲ _ شیخ طوسی، الفهرست، ص۲۱۵، رقم۳۱۶.

۳- ۳ _ علاّمه حلّی، الخلاصه، ص۷۸، رقم۳.

۴- ۴ _ سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج۲، ص۲۰۲ (چاپ سنگی، ص۴۲۸).

۵- ۵ _ به نقل شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۳۸۰.

اشعری نیز از چهره های برجسته محدّثان بود.

نجاشی در حقّ ایشان می نویسد:

از امام جواد و امام هادی علیهماالسلام روایت کرده، از خواصّ اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و وافد قمی ها بود.(۱)

منظور از «وافِدِ قمی ها» این است که از سوی قمی ها، او به محضر ائمّه علیهم السلام می رسید و پرسش های قمی ها را وی از امامان علیهم السلام می پرسید و پاسخ های لازم را برای آنها می برد.(۲)

شیخ وسی در حقّ او می نویسد:

شیخ قمی ها، وافِدِ قمی ها و از اصحاب خاصّ امام حسن عسکری بود و به محضر حضرت صاحب الزمان مشرّف شده بود.(۳)

علاّمه نیز همان تعبیر را به کار برده، و به وثاقت او تصریح کرده است.(۴)

کشی از ابو محمد رازی روایت کرده که امام هادی علیه السلام گروهی را توثیق نموده که احمد بن اسحاق نیز در میان آن ها بود.(۵)

شیخ صدوق، احمد بن اسحاق را در میان وکلاء نام برده است.(۶)

شیخ طبرسی نیز وی را از سفرا و ابواب مشهور برشمرده است.(۷)

۱- ۱ _ نجاشی، الرّجال، ص۹۱، رقم۲۲۵.

۲- ۲ _ مامقانی، تنقیح المقال، ج۵، ص۳۰۴.

۳- ۳ _ شیخ طوسی، الفهرست، ص۶۳ رقم۷۸.

۴- ۴ _ علامه حلی، الخلاصه، ص۱۴، رقم۶.

۵- ۵ _ شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص۵۵۷، رقم۱۰۵۳.

۶- ۶ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۴۴۲، باب۴۳، ح۱۶.

۷- ۷ _ طبرسی، إعلام الوری، ج۲، ص۲۵۹.

بررسی محتوایی

این حدیث شریف که با سند معتبر از محضر مقدّس امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده، حقایق فراوانی را در بردارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ _ خالی نبودن زمین از حجّت خدا

در این حدیث تصریح شده که از روزی که حضرت آدم قدم بر فراز کره خاکی نهاده، هرگز روی زمین خالی از حجّت نبوده و تا روز قیام قیامت هرگز خالی از حجّت نخواهد بود.

این یکی از اعتقادات قطعی ماست و جمله معروف:

لَوْلاَ الْحُجَّهُ لَساخَتِ الاْرْضُ بِأَهْلِها ؛

اگر یک لحظه حجّت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می برد.

به همین معنی ناظر است.

در این رابطه ده ها حدیث از پیشوایان معصوم به ما رسیده که ۱۸ نمونه از آن را در کتاب «او خواهد آمد» آورده ایم.(۱)

شاید برخی تصوّر کنند که در دوران «فترت»، حجّتی در روی زمین

۱- ۱ _ نگارنده، او خواهد آمد، ص۱۷۷ _ ۱۸۷، به نقل از کلینی، الکافی، ج۱، ص۱۳۹ ؛ خزّاز، کفایه الأثر، ص۱۶۳ ؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۱، ص۲۰۷ ؛ نعمانی، الغیبه، ص۱۳۹ ؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص۱۳۹ ؛ حموینی، فرائد السمطین، ج۱، ص۴۶ ؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج۱، ص۷۵.

نیست، مثلاً بین حضرت عیسی و پیامبر اکرم، که دوران فترت نامیده می شود، حجّتی در میان مردم نبوده است.

این گمان باطل است و هرگز امکان نـدارد یک لحظه روی زمین خالی از حجّت باشد، ولی در آن فاصـله چون پیامبر صاحب شریعت نبود، دوران فترت نامیده می شود، ولی پیامبران تبلیغی و اوصیای پیامبران پیشین در میان مردم بوده اند.

در ایّام تولّد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت عبد المطّلب حجّت خدا بود و حضرت ابوطالب وصی او بود.(۱)

حضرت ابوطالب آخرین وصی حضرت ابراهیم علیه السلام بود.(۲)

ودایع نبوّت در دست حضرت ابوطـالب بود، که بعـد از بعثت پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله آن هـا را به پیامبر اکرم تقـدیم نمود.(۳)

۲ _ وسیله دفع بلاها

پیامبر اکرم وائمّه هـدی علیهم السـلام تنها سـبب دفع بلا از این امّت هسـتند، احادیث فراوان در این رابطه از پیامبر اکرم روایت شده، که مشهورترین آنها حدیث سفینه است:

مَثل اهـل بیت من در میـان شـما مَثـل کشتی نوح است، که هر کس در آن سوار شود نجات می یابـد و هر کس از آن تخلّف کند هلاک می شود.

علامه میر حامد حسین یکی از مجلّدات «عبقات الأنوار» را به حدیث سفینه اختصاص داده و آن را از ۹۲ منبع معتبر اهل سنّت نقل کرده است.

در تلخیص و تعریب آن ۶۰ منبع دیگر به آن اضافه شده و جمعا از ۱۵۲

۱- ۱ _ شیخ صدوق، العقائد، ص۱۱۶.
۲- ۲ _ علامه امینی، الغدیر، ج۷، ص۵۲۴.
۳- ۳ _ کلینی، الکافی، ج۱، ص۴۴۵.

منبع معتبر اهل سنّت روایت شده است.(۱)

وجود مقدّس حضرت بقیه اللّه اروحنا فداه، درگهواره به ابونصر خادم فرمود:

أَنَا خاتَمُ الْاءوْصِیاء، وَ بی یَدْفَعُ اللّه ُالْبَلاءَ عَنْ أهْلی وَ شیعَتی؛

من خاتم اوصیا هستم و به وسیله من خداوند بلاها را از خاندان و شیعیانم دفع می کند.(۲)

۳ _ وسیله بارش باران

خداوند منّان فیّاض علی الاطلاق است و هر لحظه فیض او به جهان اضافه می شود. برای رسیدن فیوضات الهی واسطه فیضی لازم است که به دست او فیوضات الهی به جهانیان برسد.

نزول باران و همه عنایات الهی منحصرا توسّط آن حجّت خدا، که واسطه فیض حضرت احدیّت هستند، به جهان بشریّت عنایت می شود.

در احادیث فراوان آمده است که خداوند منّان به برکت این خاندان باران را نازل می کند.(۳)

۴ _ وسیله ظهور برکات زمین

بر اساس احادیث فراوان همه برکات زمین به برکت اهل بیت عصمت و طهارت ظاهر می شود.

در یکی از زیارت های مأثور از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِرادَهُ الرَّبِّ فی مَقادیرِ اُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَیْکُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُیُوتِکُمْ ؛

۱- ۱ _ میلانی، نفحات الأزهار، ج۴، ص۲۷ _ ۱۹۶.

۲- ۲ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۴۶، ح۲۱۵.

۳- ۳ _ مجلسی، بحار الانوار، ج۱۰، ص۱۰۴ ؛ ج۱۶، ص۶۹ ؛ ج۲۳، ص۶ ؛ ج۲۶، ص۲۴۹ ؛ ج۲۷، ص۱۹۸ ؛ ج۳۶، ص۲۳۲؛ ج۴۴، ص۲۶۴ ؛ ج۵۲، ص۱۴۵ ؛ ج۶۸، ص۶۱ ؛ ج۹۰، ص۱۷۰ ؛ ج۱۰۰، ص۳۴۵ ؛ ج۱۰۲، ص۱۳۱.

اراده پروردگار در مورد مقدّرات امور بندگان، بر شما نازل می شود و از خانه های شما صادر می گردد.(۱)

در احادیث فراوان آمده است که چون قائم علیه السلام ظهور کند، زمین همه برکاتش را ظاهر می سازد.

در حدیثی آمده است:

حینَئِذٍ تُظْهِرُ الْاَرْضُ كُنُوزَها وَ تُبْدی بَرَكاتِها، فَلا یَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَوْضِعا لِصَدَقَتِهِ وَ لا لِبِرِّهِ، لِشُمُولِ الْغِنی جَمیعَ الْمُؤْمِنینَ؛

در آن هنگام زمین گنج های خود را آشکار می کند و همه برکاتش را بیرون می کند، دیگر یکی از شما برای صدقات و مبرّاتش جا پیدا نمی کند، زیرا ثروت همه مؤمنان را فرامی گیرد.(۲)

۵ _ تقوا تنها راه رسیدن

امام عسکری علیه السلام هنگامی که نور دیده اش را به احمد بن اسحاق ارائه داد، فرمود:

ای احمد بن اسحاق، اگر تو در نزد خدا و حجّت های خدا گرامی نبودی من فرزندم را به تو ارائه نمی دادم.

از تعبیر امام علیه السلام به صراحت معلوم می شود که هر کس بخواهد نیم رخی از حجّت خدا را ببیند باید خود را در نزد خدا گرامی بدارد.

قرآن کریم راه آن را تقوا معرّفی کرده، می فرماید:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّه ِ أَتْقاكُمْ» ؛

به راستی گرامی ترین شما در نزد خدا پارساترین شماست.(۳)

۱- ۱ _ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۰۰، باب ۷۹، ح ۲.

۲- ۲ _ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳- ۳ _ سوره حجرات، آیه ۱۳.

و شخص حضرت بقیّه اللّه مهم ترین مانع وصال را گناه معرّفی کرده می فرماید:

فَما یَحْبِسُنا عَنْهُمْ إلاّ ما یَتَّصِلُ بِنا مِمّا نَكْرَهُهُ وَ لا نُؤْثِرُهُ مِنْهُم ؛

یُمن دیدار ما را از آن ها باز نمی دارد، جز ـ گناهانی ـ که از آنها به ما می رسد، که ما آن را دوست نداریم و از آنها انتظار نداریم.(۱)

روی این بیان تنها راه رسیدن ترک گناه و تنها مانع راه ارتکاب گناه می باشد.

۶ ـ همنام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله

در احادیث فراوان تصریح شده که نام آن حضرت، همنام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کنیه اش هم کنیه آن حضرت می باشد.

آیه اللّه صافی به ۵۴ حدیث از این احادیث استناد کرده است.(۲)

۷ ـ زمین را پر از عدل و داد کند.

بزرگترین شاخصه حضرت مهدی علیه السلام آن است که زمین را آکنده از عدل و داد کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است.

آیه اللّه صافی به ۱۴۸ حدیث به این مضمون استناد کرده است.(۳)

همه شیّادانی که در طول تاریخ به دروغ ادّعای مهدویّت کرده اند، جز بر حجم ستم ها نیفزوده اند، ولی هنگامی که جان جانان، قبله خوبان ظهور می کند، جور و ستم را از روی زمین بر می چیند و عدل و داد را در کلّ جهان می گستراند.

۸ ـ عمر طولانی دارد

ص: ۲۴

۱- ۱ ـ طبرسی، الإحتجاج، ج۲، ص ۴۹۹.
۲- ۲ ـ آیه اللّه صافی، منتخب الأثر، ج۲، ص ۱۳۱ ـ ۱۳۵.
۳- ۳ ـ همان، ص ۲۲۲ ـ ۲۳۳.

حضرت خضر علیه السلام از زمان حضرت موسی علیه السلام زنده است و در روی زمین زندگی می کند و اینک در حدود ۶۰۰۰ سال از عمر شریفش می گذرد.

در احادیث فراوان وجود مقدّس امام زمان علیه السلام از نظر دیرزیستی و عمر طولانی به حضرت خضر تشبیه شده است.

جالب توجّه و شایان دقّت است که در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام آمده است که:

خداوند منّان فقط از این جهت به حضرت خضر عمر طولانی عطا کرده که برای امکان طول عمر امام زمان علیه السلام به او استدلال شود.(۱)

۹ _ حکومت جهانی

در طول تاریخ کره زمین تنها چهار نفر بر کلّ جهان سیطره پیدا کرده اند که عبارت بودند از:

۱) حضرت سلیمان بن داود.

۲) ذو القرنین.

۳) نمرود.

۴) بخت النصر.

که دو تن از آن ها مؤمن و دو تن دیگر کافر بودند.(۲)

در آینده نیز حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه بر سرتاسر کره زمین سیطره پیدا می کند، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی در گستره جهان بنیاد می گذارد، پرچم توحید را بر سرتاسر گیتی به اهتزاز در می آورد، در کلّ جهان تنها یک پرچم برافراشته می شود و آن پرچم توحید است، در

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۵۷.

۲- ۲ _ شیخ صدوق، الخصال، ج۱، ص۲۵۵، ح ۱۳۰.

کلّ جهان تنها یک قانون اساسی رسمیّت پیدا می کند و آن قرآن کریم است و در گستره زمین تنها یک حکومت حکمرانی می کند و آن حکومت حقّه یوسف زهراست که «دوله الزهراء» نامیده می شود.(۱) و در چیدمان جهانی تنها یک سلیقه اعمال می شود و آن سلیقه حضرت فاطمه علیهاالسلام است که بنیانگذار حکومت جهانی، در توقیع شریف خود می فرماید:

وَ فی إِبْنَهِ رَسُولِ اللّه ِصلی الله علیه و آله لی اُسْوَهٌ حَسَنَهٌ ؛

دختر رسول خدا بهترین الگوی من است.(۲)

۱۰ _ غیبت طولانی

نوید غیبت و ظهور منجی جهان پیشینه ای به درازای تاریخ بشری دارد، از زمان حضرت آدم ابوالبشر، هر پیامبری که قدم در عرصه حیات نهاده، به امّت خود در مورد منجی جهان و مصلح آخر الزّمان بشارت داده است.

نگاهی گذرا به کتاب مقدّس و صحف انبیاء که به پیوست عهدین به چاپ رسیده، صدق گفتار ما را اثبات می کند.

مزامیر حضرت داود علیه السلام که به پیوست عهد قدیم چاپ شده ۱۵۰ فصل است، در ۵۳ فصل آن از منجی جهان و مصلح دوران سخن رفته است.

صدها حدیث معتبر از طریق شیعه و سنّی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون غیبت و ظهور آن حضرت رسیده است.

دکتر عبد العلیم عبد العظیم البَستَوی، از چهره های برجسته وهّابیت، مقیم مکّه معظّمه، «موسوعه احادیث المهدی» را در دو جلد تنظیم کرده،

۱- ۱ _ میرجهانی، الدّرر المکنونه، ص ۱۹۰.

۲- ۲ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۸۶، ح۲۴۵.

در جلد اوّل فقط احادیث صحیح را آورده، که تعداد آن ها یکصد حدیث می باشد، و هر حدیثی را بررسی سندی کرده است، در جلد دوّم ۲۹۲ حدیث آورده که در سند آن ها تردید نموده است.(۱)

تعداد احادیث پیرامون غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام به قدری بالاست که یک شخصیّت معروف سعودی، یکصد از آنها را خالی از هر نقص و ایراد تشخیص داده، بر صحّت سند آن ها تأکید کرده است و همه آنها از منابع اهل سنّت و از طریق آن ها می باشد.

تأکید رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر غیبت حضرت مهدی علیه السلام در حدّی است که پیش از تولّد حضرت مهدی علیه السلام ده ها کتاب به نام: «الغیبه» در مورد غیبت آن حضرت تألیف شده است، که از آن جمله است:

۱ _ کتاب الغیبه، از ابو اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام .(۲)

۲ _ کتاب الغیبه، از ابو الفضل عبّاس بن هاشم ناشری، از اصحاب امام رضا علیه السلام .(۳)

۳ _ کتاب الغیبه، از علی بن حسن بن علی بن فضال، از اصحاب امام هادی علیه السلام .(۴)

۴ _ کتاب الغیبه، از ابو الحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام .(۵)

۱- ۱ _ چاپ المکتبه المکّیه، مکّه معظّمه، ۱۴۲۰ ق.
۲- ۲ _ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۰.
۳- ۳ _ نجاشی، الرجال، ص ۲۸۰.
۴- ۴ _ شیخ طوسی، الرجال، ص۴۱۹ ؛ نجاشی، الرجال، ص۲۵۷.
۵- ۵ _ همو، ص۳۵۷؛ نجاشی، الرجال، ص۲۵۵.

۵ _ کتاب الغیبه، از ابو الحسن علی بن محمد سوّاق، معاصر امام رضا علیه السلام .(۱)

۶ _ کتاب الغیبه، از ابو الحسن علی بن عمر اعرج، معاصر امام رضا علیه السلام .(۲)

۷ _ کتاب الغیبه، از ابو علی حسن محمد بن سماعه، از اصحاب امام کاظم علیه السلام .(۳)

۸ _ کتاب الغیبه، از حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام .(۴)

و ده ها اثر دیگری که دیگر اصحاب ائمّه علیهم السلام پیرامون حضرت مهدی علیه السلام به عنوان «الغیبه» تألیف کرده اند و گزارش آن ها در کتب رجال و تراجم به ما رسیده است.

جالب توجّه است که تاریخ تألیف برخی از آنها بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام می باشد، مانند کتاب انماطی از اصحاب امام باقر علیه السلام .(۵)

برخی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام گفته اند که: پس از غیبت امام عصر علیه السلام ، احادیث غیبت مطرح شده!! در حالی که ده ها کتاب در این زمینه پیش از میلاد مسعود آن حضرت تألیف شده، که به چند نمونه از آن ها اشاره کردیم.

برخی دیگر از معاندان گفته اند که در طول غیبت صغری فقط از یک

۱- ۱ _ نجاشی، الرجال، ص۲۵۹.

۲- ۲ _ همان، ص۲۵۶.

۳- ۳ _ شیخ طوسی، الرجال، ص۳۴۸ ؛ همو، الفهرست، ص ۸۱.

۴- ۴ _ همان، ص۳۵۳.

۵- ۵ _ همو، الفهرست، ص ۵۰ ؛ نجاشی، الرجال، ص۳۲.

غیبت سخن می رفت، چون غیبت صغری به پایان رسید و چهارمین سفیر حضرت درگذشت و کسی را به عنوان جانشین خود تعیین نکرد، صحبت از دو غیبت به میان آمد!!

و این تحریف تاریخ است، اینک برای اثبات دروغ بودن این سخن به کتاب شریف اصول کافی مراجعه می کنیم، که مؤلّف، آن در زمان غیبت صغری درگذشته و احادیث مربوط به دو غیبت را در آن با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

۱) لِلْقائِمِ غَیْبتان، یَشْهَدُ فی إِحْداهُمَا المَواسِمَ، یَرَی النّاسَ وَ لا یَرَوْنَهُ ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است، در یکی از آنها همه ساله در موسم حج شرکت می کند، او مردمان را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند.(۱)

لِلْقائِمِ غَیْبَتانِ، إِحْداهُما قَصیرَهٌ وَ الْأُخْری طَوِیلَهٌ ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.(۲)

۳) لِصاحِبِ هذَا الْاءمْرِ غَیْبَتانِ، إِحْداهُما یَرْجِعُ مِنْها إِلی أَهْلِهِ، وَ الْأُخْری یُقالُ: هَلَکَ، فی أَیِّ وادٍ سَلَکَ ؛

برای صاحب این امر دو غیبت است، در یکی از آن ها به خاندانش مراجعه می کند، در دیگری گفته می شود: هلاک شده، یا به کجا رفته است؟!(۳)

همه دوست و دشمن می داند که کتاب شریف کافی بعد از قرآن کریم معتبرترین کتاب حدیثی ما می باشد و نسخه های این کتاب در تمام دنیا

۱- ۱ _ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۲.

۲- ۲ _ همان، ص ۳۴۰، ح ۱۹.

۳- ۳ _ همان، ح ۲۰.

شایع است، و انتساب این کتاب به مؤلّفش قطعی می باشد و تاریخ وفات او پیش از وفات علی بن محمد سمری (۳۲۹ ق) است.

وجود این سه حدیث در کتاب کافی به تعبیر «غیبتان» برهان قاطع و دلیل روشنی است بر این که دشمنان اهل بیت از جعل و تزویر و دروغ به هیچ وجه پرهیز ندارند.

جالب توجّه است که پیامبر اکرم و ائمّه هدی علیهم السلام به هنگام سخن گفتن از غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام ؛ با یک بیان قاطع ، شفّاف، روشن و استوار سخن گفته اند.

مثلاً در حدیث امام عسکری که محور بحث ما می باشد، آمده است:

وَ اللّه ِ لَیَغیبَنَّ غَیْبَهً ؛

به خدا سوگند، بی گمان، البتّه البتّه، غایب می شود، یک غایب شدنی که... (۱)

در این جمله کوتاه چندین ادات تأکید به کار رفته، که از آن جمله است:

۱) با جمله اسمیّه آمده است.

۲) با واو قسم آمده.

۳) لام تأکید در پاسخ قسم آمده

۴) با نون تأکید ثقلیه مؤکّد شده.

ائمّه علیهم السلام از فصحای تاریخ و از بلیغان روزگار بودند و سخن آن ها همواره در حدّ اعلای بلاغت بود. استفاده از این همه ادوات تأکید در جایی که ضرورت نداشته باشد، عبث به شمار می آید و بر بلاغت آن ها

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۸۴.

لطمه می زند.

جالب توجّه است که به کار بردن این همه ابزار تأکیـد منحصـر به امام عسـکری علیه السـلام نمی باشد، بلکه همه پیشوایان در مورد بیان غیبت آن حضرت، از چنین ادبیّاتی استفاده کرده اند و چنین ادوات تأکید را استخدام نموده اند، از جمله:

۱ ــ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

وَ الَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ بَشیرا لَیَغیبَنَّ الْقائِمُ مِنْ وُلْدی بِعَهْدٍ مَعْهُودٍ إلَیْهِ مِنّی ؛

سوگند به خداوندی که مرا به حق بشارت دهنده برانگیخته، قائم از فرزندانِ من، البته البتّه غایب می شود، با یک پیمانی که از من به او مقرّر شده است.(۱)

در اینجا نیز رسول گرامی اسلام با آوردن:

۱ ــ جمله اسمیه، ۲ ــ واو قسم، ۳ ــ لام تأکید، ۴ ــ نون تأکید ثقیله

همانند ادبیّات امام عسکری علیه السلام را به کار برده است.

۲ ــ مولای متّقیان در همین رابطه فرمود:

أَمّا لَیَغیبَنَّ حَتّی یَقُولُ الْجاهِلُ: ما لِلّه ِ فی آلِ مُحَمّد حاجَةٌ ؛

آگاه باشید که وی آن چنان غایب می شود که افراد نادان بگویند: خداوند هیچ نیازی به آل محمّد ندارد.(۲)

در اینجا نیز «أما» تحریضیّه، جمله اسمیّه، لام تأکید و نون تأکید ثقیله به کار رفته است.

۳ ــ امام صادق علیه السلام در همین زمینه فرمود:

۱- ۱ ــ مجلسی، بحار الانوار: ج۵۱، ص۶۸، ح۹.
۲- ۲ ــ همان، ص۱۱۹، ح۱۹.

أما وَ اللّه ِ لَيَغيبَنَّ إمامُكَمْ سِنينا مِنْ دَهْرِكُم ؛

آگاه باشید، به خدا سوگند، البتّه البتّه امام شما سالیان درازی غایب خواهد شد.(۱)

در این حدیث نیز واو قسم، لام تأکید، نون تأکید ثقیله، جمله اسمیّه، و «أما تحریضیّه» به کار رفته است.

۱۱ _ هلاکت

در احادیث فراوان از حیرت و سردرگمی شیعیان در عصر غیبت سخن رفته است:

۱) مولای متّقیان می فرماید:

تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ، يَضِلُّ فيها أَقْوامٌ وَ يَهْتَدى فيها آخَرُونَ ؛

برای او دوران غیبت و حیرت است که گروهی در آن گمراه می شوند و گروه دیگر هدایت می یابند.(۲)

۲) امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرمود:

لَتُكْفَأُنَّ كَما تُكْفَأُ السُّفُنُ بِأَمْوَاجِ الْبَحْرِ ؛

به خدا سوگند متلاطم می شوید، همان گونه که کشتی ها به وسیله امواج دریا دچار تلاطم می شوند.(۳)

و در ادامه فرمود:

دوازده پرچم مشابه همدیگر به اهتزاز در می آید، که معلوم نمی شود، که کدام یک کدامین است.

مفضّل بن عمر راوی حدیث می گوید: من به شدّت گریستم و عرض

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۴۷، باب ۳۳ ح۳۵.
۲- ۲ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص۳۳۶، ح۲۸۲.
۳- ۳ _ همان، ص۳۳۸، ح۲۸۵.

کردم: پس در آن زمان چه کنیم؟

از روزنه آفتاب در داخل اطاق می تابید، امام صادق علیه السلام نگاهی به آن کردند و فرمودند: این آفتاب را می بینی؟ گفتم: آری. فرمود:

به خدا سوگند، امر ما از این خورشید روشن تر است.(۱)

۳) امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیث دیگری فرمود:

سوگند به خداوندی که رسولش را به حق برانگیخت، حتما آزموده خواهید شد، حتما غربال خواهید شد، در این غربال شدن ها افردی بالا می آیند که در زیر بودند، افرادی پایین می آیند که در بالا بودند، افرادی جلو می افتند که عقب مانده بودند و افرادی عقب می مانند که جلو افتاده بودند.(۲)

۴) امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی از طوفان حضرت نوح سخن گفته، زمان پیش از ظهور را به مردمان عصر نوح تشبیه کرده، در پایان می فرمایند:

وَ كَذلِكَ الْقائِمُ، فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ غَيْبَتُهُ، لِيَصْرُحَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَ يَصْفُوَ الْإِيمانُ مِنَ الْكَدِرِ، بِإِرْتِدادِ كلِّ مَن كانَت طينَتُهُ خَبيثَةً ؛

همچنین دوران غیبت قائم علیه السلام به طول می انجامد، تا حق از باطل و ایمان خالص از تیره مشخّص گردد، با ارتداد همه کسانی که طینت آنها خبیث بوده است.(۳)

۵) امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث دیگری فرمود:

لا بُدَّ لِلنّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُغَرْبَلُوا، وَ سَيَخْرُجُ مِنَ

ص: ۳۳

۱- ۱ _ همان.

۲- ۲ _ نعمانی، الغیبه، ص۲۰۱، باب۱۲، ح۱.

۳- ۳ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۵۶، باب۳۳، ح۵۳.

الْغَرْبالِ خَلْقٌ كَثيرٌ ؛

به ناگزیر مردم باید آزموده شوند، تا شناخته شوند، غربال گردند و جمع کثیری از غربال خارج می شود.(۱)

۶) در حدیث دیگری فرمود:

به خدا سوگند، همانند شیشه شکسته می شوید، به خدا سوگند همانند سفال شکسته می شوید، شیشه یکبار دیگر بر می گردد و همانند اول می شود، ولی سفال هرگز به حالت اولیّه بر نمی گردد.(۲)

۷) امام صادق علیه السلام با تعبیرات مختلفی وضع رقّت بار شیعیان را در عصر غیبت به تصویر کشیده اند، که یک نمونه آن داستان سدیر صیرفی است، که با گروهی از شیعیان به محضر رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام مشرّف می شوند، می بینند که امام علیه السلام روی خاک ها نشسته، همانند مادر داغ فرزند دیده گریه می کند و خطاب به حضرت بقیّه اللّه می فرمایند:

سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، راه تنفّس را بر من گرفته، آرامش خاطرم را از من سلب کرده است.

چون مقداری آرام می شوند، از علّت آن پریشانی می پرسند، می فرماید:

امروز در جفر و جامعه اوضاع آخر الزّمان را می دیدم، میلاد قائم علیه السلام ، طول غیبت، عمر طولانی آزمون سخت شیعیان، پدید آمدن شک و تردید در دل آنان را در اثر طول غیبت و ارتداد آن ها را از دین خود، مشاهده کردم وغم های عالم بر دلم فروریخت.(۳)

۱۲ _ مرگ جاهلی

۱- ۱ _ نعمانی، الغیبه، ص۲۰۴، باب ۱۲، ح۶.

۲- ۲ _ همان، ص۲۰۷، ح۱۳.

۳- ۳ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۵۲.

در ده ها حدیث آمده است که هر کس امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. این احادیث از احادیث متواتر از طریق شیعه و سنی می باشد.(۱)

در حدیث بالا از ارتداد و پدیدار شدن شکّ و تردید سخن رفته است.

ابن بابویه، پدر شیخ صدوق، کتاب مستقلّی پیرامون حیرت و سردرگمی شیعیان در عصر غیبت نوشته، آن را «الإمامه والتّبصره» نام نهاده است.

در این کتاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

إِنَّ لِصاحِبِ هذَ الْاءمْرِ غَیْبَهً، اَلْمُتَمَسِّکُ فیها بِدینِهِ کَالْخارِطِ لِلقِتاد ؛

برای صاحب این امر غیبتی است که چنگ زدن به دین در آن زمان، همانند کندن خار با دست می باشد.(۲)

۱۳ _ استواری در دین

حوادث تلخ و رویدادهای حادّی فرا راه شیعیان و موالیان اهل بیت است، که از آن ها به «مُضِلاّتُ الْفِتَنِ» تعبیر می شود، یعنی فتنه هایی که انسان را از شاهراه حق و حقیقت می لغزاند و در سراشیبی سقوط قرار می دهد.

برای ثبات قدم و استواری در دین، معرفت کامل به امام زمان علیه السلام شرط است، که امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

فَلا یَثْبُتُ عَلَیْهِ إِلاّ مَنْ قَوِیَ یَقینُهُ وَ صَحَّت مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ یَجِدْ فی نَفْسِهِ حَرَجا مِمّا قَضَیْنا وَ سَلَّمَ لَنا أهْلَ الْبَیْتِ ؛

بر امر امامت ثابت نمی ماند جز کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و در مورد آن چه ما حکم می کنیم، حرجی در دلش پیدا

۱- ۱ _ تواتر این حدیث را در کتاب «او خواهد آمد» از محدّثان بزرگ شیعه و سنّی نقل کردیم.
۲- ۲ _ ابن بابویه، الإمامه والتّبصره، ص۱۲۶، ح۱۲۷.

نکند و در برابر ما اهل بیت کاملاً تسلیم باشد.(۱)

امّا کسی که ثابت قدم باشد و در فتنه ها نلغزد، پاداش عجیبی دارد که امام سجّاد علیه السلام می فرماید:

مَنْ ثَبَتَ عَلی مُوَالاتِنا فی غَیْبَهِ قائِمِنا أَعْطاهُ اللّه ُعَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهیدٍ مِنْ شُهَداءِ بَدْرٍ وَ اُحُدٍ ؛

هر کس بر موالات ما استوار باشد، در زمان غیبت قائم ما علیه السلام ، خداوند عزّ وجلّ پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عنایت فرماید.

در ده ها حدیث از سختی دینداری در عصر غیبت سخن رفته و به پاک کردن خار با دست و نگهداشتن آتش در دست تشبیه شده است.

در این حدیث به یک نکته اشاره شده و آن این که استواری در دین فقط با عنایت خاصّ حق تعالی امکان پذیر می باشد، و لذا فرموده است:

به خدا سوگند، او غایب می شود، غیبتی که در آن از هلاکت رهایی نمی یابد، جز کسی که خداوند او را در اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت و استوار نموده باشد.(۲)

امّا این که چه کنیم تا خداوند ما را در اعتقاد خود ثابت بدارد، در آخرین فراز از حدیث شریف بیان شده است:

۱۴ _ دعا برای تعجیل در امر فرج

در این حدیث شریف، امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به احمد بن اسحاق می فرماید:

در آن زمان غیبت، از هلاکت رهایی نمی یابد جز کسی که:

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۱، ص۳۲۴، باب ۳۱ ح۸.

۲- ۲ _ شیخ صدوق، کمال الدّین، ج۲، ص۳۸۴.

۱) خداوند او را بر قول به امامت آن حضرت ثابت بدارد ؛

۲) خداوند به او توفیق دعا برای تعجیل در امر فرج عنایت فرماید.(۱)

روی این بیان «دعا برای تعجیل در امر فرج» که «تنها ره رهایی» می باشد، آن نیز باید با توفیق حضرت احدیّت باشد، اگر خداوند انسان را به حال خود رها کند، آن چنان در فراز و نشیب زندگی راه را گم می کند، که هم خودش را فراموش می کند، هم منشأ این همه بدبختی و سیه روزی را متوجّه نمی شود و هم در صدد چاره جویی بر نمی آید.

سرچشمه همه بدبختی ها و حوادث تلخ جهان، غیبت مولاست، همه مشکلات جانکاه و مصائب جانفرسای زندگی از اینجا نشأت می گیرد که دست ما به دامن مولای ما نمی رسد.

تأسّف بارتر این که به این نکته نیز توجّه نداریم و در نتیجه به فکر چاره جویی نیز نیستیم.

هر کسی که به سعادت جامعه بیندیشد، باید جامعه را به درد و درمان این مصائب رهنمون گردد، وجدان به خواب رفته را بیدار کند، درد و درمانِ آن را به آنها یادآوری کند و به جامعه انسان ها تفهیم کند که همه مشکلات جهان از غیبت صاحب و مولا نشأت می گیرد و تنها درمان آن این است که دسته جمعی به سوی خداوند روی آورده، از خداوند منّان تعجیل در فرج آن حضرت را مسألت نماییم.

اگر دُرِّ گران بهایی در یک خانه گم شود، همه اهل خانه بسیج می شوند و در راه پیدا کردن آن دست از پا نمی شناسند، تا گم شده خود را بیابند.

بیش از دوازده قرن است که حجّت و مولای خود را در پشت پرده غیبت

۱- ۱ _ همان.

گم کرده انـد و هرگز در صدد کنار زدن این سدهای آهنین نیسـتند، با این همه مشـکلات دست و پنجه نرم می کنند، ولی در صدد چاره جویی بر نمی آیند.

یکی از عزیزان سـفر کرده، که فانی در عشق و ارادت به حضـرت ولی عصر علیه السلام بود، مرحوم حاج مهدی جعفریان، که از هیئت امنای مسـجد مقـدّس جمکران بود، نقل می کرد: عصـر سه شـنبه ای از تهران به مقصد مسـجد مقدّس جمکران به قم آمـدیم، پس از زیـارت کریمه اهل بیت به مسـجد مقـدّس جمکران مشـرّف شـدیم، پس از انجام اعمال مسـجد از جمکران به سوی قم حرکت کردیم.

در اثنای راه سـید بزرگواری را دیدیم که پیاده به سوی مسـجد در حرکت می باشد، ماشـین را نگه داشتیم، فلاکس آب را در دست گرفتیم، پس از عرض سـلام و ادای احترام عرض کردیم، آب خنکی است، که از تهران آورده ایم، اجازه می فرمایید به محضرتان تقدیم کنیم.

پس از کسب اجازه لیوان را پر کردیم به خدمتشان تقدیم نمودیم.

عرضه داشتیم که کجا انشاء اللّه؟

فرمودند: به مسجد جمکران می روم.

عرضه داشتیم: برای فرج آقا بقیه اللّه دعا بفرمایید.

فرمودند: آن وظیفه شیعیان ماست.

این جمله اگر چه صریح بود، ولی همانند همه تشرّفات، ذهن ما به آن منتقل شد.

آنگاه در حالی که نیمی از آب لیوان را میل کرده بودند فرمودند:

شیعیـان ما به انـدازه این نصف لیوان به ما اعتنا ندارنـد، اگر روزی در وسط بیابان به نصف لیوان آب نیاز پیـدا کننـد، تا به آن دسترسی پیدا

نکرده اند، از پای نمی نشینند، ولی بیش از ۱۲۰۰ سال است که ما را گم کرده اند و به دنبال ما نیستند و درصدد جستجو بر نمی آیند.

سپس اضافه کردند:

این همه مردم که به مسجد جمکران مشرّف می شوند، هر کدام به دنبال مشکل خود هستند، یکی مریض دارد، دیگری خانه می خواهد، سومی مشکل ازدواج دارد، هر کدام به دنبال مشکل خویش هستند، چند نفر از اینها فقط به خاطر ما می آیند؟!

در مشهد مقدّس مرد بزرگواری به نام آقای مولوی قندهاری داشتیم، که از وکلای مرحوم آیه اللّه اصفهانی بود. در غالب تشرّفات خود به مشهد مقدّس، به خدمتشان مشرّف می شدیم و از محضرشان مستفیض می گشتیم.

غالبا به ما توصیه می کرد، که هر وقت به حرم مشرّف می شوید، در حرم مطهّر فقط برای فرج مولا ـ دعا کنید و چیزی از حوائج خود را بر زبان نیاورید، هنگامی که از حرم بیرون آمدید، به خدمت شیخ حرّ عاملی مشرّف شوید و حوائج خود را از ایشان بگیرید.

شیخ حرّ عاملی، صاحب کتاب گرانسنگ «وسائل الشیعه» در صحن مطهّر بقعه و ضریح دارد واز محدّثان بزرگ شیعه می باشد.

نکته مهمّ در توصیه مرحوم آقای مولوی قندهاری این است که حوائج شما هر چه باشد، افرادی چون شیخ حرّ عاملی می توانند آن را برآورده کنند ولذا قدر موقَف را بدانید و وقت خود را در حرم مطهّر به این مسائل هزینه نکنید، در حرم مطهّر فقط برای تعجیل در امر فرج دعا کنید که حاجت مشترک همه انسان ها می باشد، که اگر این حاجت برآورده شود،

دیگر حاجتی باقی نخواهد بود، و اگر این حاجت برآورده نشود، بر آورده شدن دیگر حوائج، مشکلی را نخواهد گشود.

از این رهگذر، بر همه ما فرض است که در رأس همه حوائج خود، برای فرج مولا دعا کنیم، که فرج ما نیز در آن نهفته است و تعبیر بسیار ظریف:

وَ أَکْثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعْجیلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذلِکَ فَرَجُکُمْ ؛

برای تعجیل در امر فرج بسیار دعا کنید که فرج شما نیز در آن است.(۱)

به آن اشاره دارد.

۱۵ _ آخرین ذخیره الهی

هنگامی که احمد بن اسحاق، از نشان می پرسد، امام علیه السلام که کودکی خردسال بودند، به اذن خداوند می فرمایند:

أَنَا بَقِیَّهُ اللّه ِفی أرْضِهِ ؛

ای احمد بن اسحاق! من آخرین حجّت خدا در روی زمین هستم.

اوّلین حجّت خدا، حضرت آدم ابو البشر، کلماتی را از خداوند منّان تلقّی نمود.(۲)

حضرت نوح حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت خاتم الأنبیا علیهم السلام هر کدام کلماتی را از خداوند منّان تلقّی کردند و به امّت های خود بیان فرمودند، ولی آیا کلمات الهی پایان یافت؟ نه، هرگز.

به تعبیر قرآن، اگر همه دریاها مرکّب شوند و کلمات الهی با این مرکّب ها نوشته شود، دریاها تمام می شود، ولی کلمات الهی پایان نمی پذیرد، حتّی

۱- ۱ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۹۲، ح۲۴۷.
۲- ۲ _ سوره بقره، آیه۳۷.

اگر این دریاها دو برابر(۱) یا هفت برابر شود باز هم کلمات الهی پایان پذیر نمی باشد.(۲)

آن مقدار از کلمات الهی که قابل عرضه بر انسان ها می باشد، به تعبیر حدیث شریف ۲۷ حرف می باشد، که دو حرف آن توسّط پیامبران بر مردم عرضه شده، و مردم با دانش و بینش خود آن ها را تجربه کرده، در مقام عمل از آن ها بهره گرفته اند، ۲۵ حرف دیگر را حضرت بقیّه اللّه می آورد.(۳)

بر این اساس ۲۱۱۲ برابر علم موجود توسّط آن حضرت بر این دانش موجود افزوده می شود.

«ادیسون» با اختراع برق، یک علم بر هزاران علم موجود افزود، چهره دنیا دگرگون شد.

در زمان ما اختراع کامپیوتر، یک علم بر هزاران علم موجود افزوده شد، چهره جهان به کلّی دگرگون گردید.

اگر روزی حضرت بقیّه اللّه بیاید، بر هزاران دانش موجود، نه ۱۰۰٪، نه ۲۰۰٪ بلکه ۱۲۵۰٪ بیفزاید، دیگر چهره جهان برای ما قابل ترسیم نیست.

از این رهگذر هنگامی که علی بن جعفر علیهماالسلام از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام تقاضا می کند که عصر ظهور را برای ایشان ترسیم نماید، می فرماید:

یا بُنَیَّ! عُقُولُکُمْ تَضْعَفُ عَنْ ذلِکَ وَ أحْلامُکُم تَضیقُ عَنْ حَمْلِهِ، وَ لکِنْ إنْ تَعیشُوا فَسَوْفَ تُدْرِکُونَهُ؛

پسرم! عقل های شما از درک آن ناتوان هستند و افکار شما از تحمّل

۱- ۱ _ سوره کهف، آیه۱۰۹.

۲- ۲ _ سوره لقمان، آیه۲۷.

۳- ۳ _ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج۲، ص۸۴۱.

آن عاجزند، اگر زنده بمانید و آن زمان را درک کنید، خواهید فهمید.(۱)

از این حدیث استفاده می شود که افکار و اندیشه های ما قدرت تصویر آن زمان را ندارند، حتّی اگر امام معصوم آن را ترسیم کند، ما نمی توانیم به عمق آن برسیم، زیرا الفبای آن را در اختیار نداریم.

مثل ما نسبت به عصر ظهور، مَثل یک جنین است نسبت به این دنیا.

هنگامی که حضرت بقیّه اللّه تشریف بیاورد، دست کیمیا اثر خود را بر سر بندگان الهی قرار می دهد، عقل های آن ها بالا می رود و قدرت دریافت آن دانش برتر را پیدا می کنند.(۲)

هرکس به پیشرفت علم و تکنولوژی علاقه مند است، باید شب و روز برای تعجیل در امر فرج دعا کند.

۱۶ _ منتقم خون مظلومان در راستای تاریخ

بدون تردید حضرت مهدی علیه السلام خون مظلومان در راستای تاریخ را می گیرد، ولی از چه کسی؟ از فرزندان؟! از هواداران؟!

از مسلّمات اعتقادی ما این است که:

«لا تَزِرُ وازِرَهٌ وِزْرَ اُخْری»

هرگز کسی بار دیگری را بر دوش نمی کشد.(۳)

اگر یزید امام حسین علیه السلام را به شهادت رسانیده، نسل و تبار او چه گناهی کرده اند؟!

پسر یزید بودن که جرم نیست، چنانکه محمد بن ابی بکر یکی از

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص ۳۶۰.

۲- ۲ _ کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۵ ح ۲۱.

۳- ۳ _ سوره انعام، آیه۱۶۴ ؛ سوره اسراء، آیه۱۵ ؛ سوره فاطر، آیه ۱۸ ؛ سوره زمر، آیه ۷.

چهره های برجسته در تاریخ تشیّع و از بهترین یاران مولای متّقیان می باشد و پسر ابوبکر بودن برای او جرم نمی باشد.

اینجا به بحث طولانی نیاز هست که صفحات محدود این نوشتار این اجازه را به ما نمی دهد، در کتاب «سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام » به تفصیل در این رابطه سخن گفته ایم.

بر اساس روایات فراوان حُمَیرا زنده می شود و حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه انتقام مادرش حضرت زهرا علیهاالسلام را از او می گیرد.(۱)

قُنفُذ و مولای قنفذ زنده می شوند و انتقام خون حضرت محسن علیه السلام از آن ها گرفته می شود.(۲)

قتله کربلا زنده می شوند و انتقام خون سالار شهیدان علیه السلام و دیگر شهیدان دشت کربلا از آن ها گرفته می شود.(۳)

خدا را به عظمت حضرت زهرا علیهاالسلام قسم می دهیم که از بقیّه دوران غیبت صرف نظر بفرماید و در ظهور منتقم خون محسن زهرا و علی اصغر کربلا علیهم السلام تعجیل بفرماید.

۱۷ _ ارتداد حدّ اکثری

در این فراز به ارتداد بیشتر قائلین به امامت آن حضرت اشاره شده، که در فرازهای یازدهم تا چهاردهم به آن اشاره شد.

۱۸ _ پیمان الهی

در آیه ۱۲۴ از سوره بقره از «امامت» به عنوان پیمان الهی تعبیر شده، آنجا که فرموده:

۱- ۱ _ سید هاشم بحرانی، حلیه الأبرار، ج۲، ص۶۰۵، چاپ سنگی.

۲- ۲ _ همان، ص۵۹۸.

۳- ۳ _ عیّاشی، التّفسیر، ج۳، ص۳۹.

«لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمینَ» ؛

پیمان من به ستمکاران نمی رسد.

جالب توجّه است که در تورات نیز از امامت به عنوان عهد و پیمان الهی تعبیر شده است.(۱)

در فرازی از حدیث بالا آمده است:

بر عهد امامت باقی نمی ماند جز کسی که خداوند منّان از او برای ولایت ما پیمان گرفته باشد.(۲)

۱۹ _ ایمان راسخ

در احادیث فراوان ایمان به دو قسم تقسیم شده است:

۱) ایمان استوار

۲) ایمان عاریتی

ایمان «مُسْتَقَرّ» ایمانی است که راسخ و استوار باشد، ولی ایمان «مُسْتَوْدَع» ایمان عاریتی است که به انسان عطا می شود، ولی در کشاکش روزگار از او گرفته می شود.(۳)

در فراز بالا آمده است که:

وَ کَتَبَ فی قَلْبِهِ الْاءیمانَ ؛

ایمان را خداوند در دلش نوشته باشد.(۴)

آری ایمان راسخ نیز به توفیق الهی خواهد بود، باید هر لحظه از خداوند بخواهیم که ایمان ما ثابت و استوار باشد.

۲۰ _ تأییدات ربّانی

۱- ۱ _ کتاب مقدّس، عهد قدیم، سفر پیدایش، باب۱۷، فراز ۲۱.

۲- ۲ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۴۸.

۳- ۳ _ علامه مجلسی، بحار الانوار: ج۴۸، ص۱۵۹.

۴- ۴ _ شیخ صدوق، همان.

در آخرین فراز از حدیث مورد بحث، تأکید شده که همه این ها منحصرا با توفیق و تأیید الهی امکان پذیر می باشد و لذا فرموده است:

بر امر امامت باقی نمی ماند، جز کسی که خداوند از او بر ولایت ما پیمان گرفته باشد، ایمان را در دلش نوشته باشد و او را با روحی از خود مؤیّد کرده باشد.(۱)

این بود فشرده ای از مطالب لازم پیرامون فرازهای حدیث مورد بحث.

و اینک از همه آن ها نتیجه می گیریم که در عصر غیبت تنها ره رهایی از فتنه های آخر الزّمان، دعا برای تعجیل در امر فرج می باشد.

این دعا باید با تأیید ربّانی و توفیقات الهی همراه باشد، از ایمان راسخ سرچشمه بگیرد، از اعماق دل و احساس اضطرار و درک عمق فاجعه همراه باشد.

و اینک به چند نکته در این زمینه اشاره می کنیم:

۱- ۱ _ همان.

دعا برای فرج

۱. دعا برای فرج واجب عینی است

آیه اللّه سیّد محمد تقی موسوی احمد آباد، مشهور به صاحب مکیال در کتاب شریف «مکیال المکارم» در مورد همگانی بودن دعا برای تعجیل در امر فرج می نویسد:

بر همه اهل ایمان لازم است که به این امر اهتمام کنند و در هر زمان و مکان به آن مواظبت کنند.

آنگاه برای اثبات وجوب عینی آن به یک رؤیای صادقه از امام حسن مجتبی علیه السلام استشهاد می کنند که متن آن چنین است:

آنچه در این جا شایسته است گفته شود و مؤیّد مطالب ما هست، چیزی است که برادر ایمانی ما، که مؤیّد به تأییدات سبحانی است یعنی: آغا میرزا محمد باقر اصفهانی(۱) که خداوند بر علوّ او بیفزاید و آنچه در این ایّام می خواهد به او عطا فرماید، گفت:

شبی از شب ها، امام همام، مولای انام، بدر تمام، حجّت خدا بر آنچه بر فراز این زمین است، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را در عالم رؤیا دیدم،

۱- ۱ ـ مرحوم حاج میرزا محمد باقر فقیه ایمانی، از علمای ارزشمند اصفهان، متوفای ۱۳۷۱ ق. صاحب قریب ۹۰ جلد کتاب ارزشمند، که ۲۸ عنوان از آنها در عرصه مهدویّت می باشد و تعدادی از آن ها به طبع رسیده است، نزدیک ترین دوست صاحب مکیال بود و رؤیای حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را صاحب مکیال از ایشان روایت کرده است. فرزندش: حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی از حسنات عصر و فضلای ارزشمند زمان می باشد.

پس چیزی به این مضمون فرمود:

بر فراز منبرها، مردم را وادار به توبه کنید و آن ها را فرمان بدهید که برای فرج حضرت حجّت علیه السلام دعا کنند و تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت را از خداوند بخواهند.

دعا برای فرج مانند نماز میّت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن یک عدّه از دیگران ساقط شود، بلکه همانند نمازهای یومیّه است، که بر هر فردی از افراد مکلّفین واجب است که آن را انجام دهند.(۱)

۲. دعا برای تعجیل در فرج در هر لحظه و در همه جا لازم است.

مرحوم کلینی در مورد دعای فرج با سلسله اسنادش از صالحان علیهم السلام روایت کرده که در مورد دعای فرج فرمودند:

این دعا را در شب بیست و سه ماه رمضان، در حال سجده، در حال قیام، در حال جلوس، در هر حالی، در کلّ ماه رمضان و در طول عمر، در هر جایی و در هر زمانی که میسّر گردد، پس از حمد خدا و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ فُلانِ بْنِ فُلانٍ فِی هَذِهِ السّاعَهِ وَ فِی کُلِّ ساعَهٍ وَلِیّا وَ حَافِظا وَ نَاصِرا وَ دَلِیلًا وَ قَائِدا وَ عَوْنا [وَ عَیْناً] حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِیهَا طَوِیلًا.(۲)

۳. دعا برای تعجیل در امر فرج باید تداوم داشته باشد.

شیخ صدوق قدس سره با سلسله اسنادش از زراره بن أعین روایت می کند که پس از بیان امام صادق علیه السلام پیرامون حوادث تلخ دوران غیبت و آزمون شدید شیعیان، به محضر مقدّس آن جناب عرضه داشت:

۱- ۱ _ موسوی، مکیال المکارم، ج۱، ص۵۲۹، ح۸۸۲.

۲- ۲ _ کلینی، الکافی، ج۴، ص۱۶۲، کتاب الصیّام، باب الدّعاء فی العشر الأواخر، ح۴.

جانم به فدایت، اگر من چنین زمانی را درک کنم، چه عملی را انجام دهم؟ حضرت فرمود:

یَا زُرَارَهُ إِنْ أَدْرَکْتَ ذَلِکَ الزَّمَانَ فَأَدِمْ هَذَا الدُّعَاءَ:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیَّکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی.

پس دعای معرفت را آموزش داد.(۱)

۴. آسان ترین راه برای جلب عنایت مولا

نزدیک ترین، آسان ترین و مطمئن ترین راه، برای جلب نظر مولا دعا برای فرج آن حضرت می باشد.

در اصفهان مردی به نام «عبد الرحمان» بود، که به امامت حضرت امام هادی علیه السلام معتقد بود. از او سبب شیعه شدنش را پرسیدند، گفت:

از امام هادی علیه السلام کرامتی دیدم که مرا به امامت آن حضرت معتقد نمود و اینک متن داستان:

من شخص فقیر، ولی زبانداری بودم. گروهی از اصفهان برای تظلّم به متوکّل عازم سامرا بودند، مرا به همراه خود بردند که سخنگوی آن ها باشم.

روزی ما در اطراف کاخ متوکّل بودیم که فرمان به احضار امام هادی علیه السلام صادر شد. از اهالی سامرا پرسیدم که امام هادی علیه السلام کیست؟ گفتند: او علی بن محمد بن امام رضا علیهم السلام مردی از علویان است که شیعیان به امامت او معتقد هستند، به نظر می رسد که او را متوکّل احضار کرده که به قتل برساند.

۱- ۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۳۴۳، باب۳۳، ح۲۴.

تصمیم گرفتم که از آنجا دور نشوم، تا امام هادی علیه السلام را ببینم و از عاقبت کار او آگاه شوم.

پس او را دیدم که بر اسبی سوار است، مردمان در دو طرف جادّه صف کشیده اند، به او تماشا می کنند، چون چشمم به جمالش افتاد، محبّت او در دلم قرار گرفت، شروع کردم برای او دعا کردن و از خدا خواستن که شرّ متوکّل را از او دور بگرداند.

امام هادی علیه السلام در میان دو صف حرکت می کرد، به چپ و راست نگاه نمی کرد، فقط به یال مرکب خود می نگریست.

من تمام این مدّت برای سلامتی اش دعا می کردم.

هنگامی که به مقابل من رسید، با تمام چهره به من نگاه کرد و فرمود:

اِسْتَجابَ اللّه ُدُعاءَکَ، وَ طَوَّلَ عُمْرَکَ وَ کَثَّرَ مالَکَ وَ وُلْدَکَ ؛

خداوند دعایت را مستجاب کرد، به تو عمر طولانی عطا فرمود، اموال و اولادت را فراوان نمود.

از هیبت و وقارش بر خود لرزیدم و در میان دوستانم بر زمین افتادم.

پرسیدند: چه شد؟ چرا به این حال افتادی؟! چیزی نگفتم، گفتم: ان شاء اللّه خیر است.

به اصفهان بازگشتیم، خداوند درهای کرمش را، به برکت دعای آن حضرت، به رویم گشود، امروز چون درِ خانه ام را می بندم هزار هزار درهم ثروت درخانه دارم، علاوه بر اموالی که در بیرون از خانه دارم، خداوند ده فرزند به من عطا فرموده و بیش از هفتاد سال عمر کرده ام و معتقد به امامت آن حضرت می باشم، که از درون قلب من خبر داد و خداوند دعایش را در حقّ من مستجاب نمود.(۱)

۱- ۱ ــ راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۳۹۲، باب ۱۱، ح ۱.

این شخص که از مقام و عظمت امام هادی علیه السلام خبر نداشت، فقط نگران سلامتی آن حضرت شده، برای سلامتی آن حضرت دعا کرده، امام علیه السلام برای او دعا کرده و خداوند منّان چنین برکتی به عمر و ثروت و فرزندانش عنایت فرموده است.

اگر ما نیز بخواهیم که یوسف زهرا، گوشه چشمی به ما کند، باید شب و روز برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دعا کنیم، تا به این وسیله لطف و کرم و عنایت آن حضرت به طرف ما معطوف شود.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند:

چرا به هنگام یاد کردن حضرت مهدی علیه السلام با لقب «قائم» بر می خیزیم؟ در پاسخ فرمود:

زیرا برای آن حضرت یک غیبت طولانی هست و این لقب به قیام و تشکیل حکومت آن حضرت اشعار دارد، به جهت شدّت رأفت به دوستان و حسرت غربت، به هر کسی که آن حضرت را با این لقب یاد می کند، نظر لطف و مرحمت می فرماید.

شایسته است هنگامی که این لقب برده شد، بنده خاضع در مقابل مولا برخیزد، چون مولای جلیل با چشم لطف و محبّت به سوی او می نگرد.

پس برخیزد و از خداوند منّان تعجیل در فرج آن حضرت را مسألت نماید.(۱)

اگر یوسف زهرا فقط با بردن نام نامی و لقب گرامی «قائم» به آن شخص نظر لطف و مرحمت نماید، بسیار ظاهر و آشکار است که به فردی که برای فرج آن حضرت دعا کند، چه نظر و لطف و مرحمتی خواهد داشت.

۱- ۱ _ آیه اللّه صافی، منتخب الاثر، ج۳، ص۲۲۶، ح۱۲۴۴.

روی این بیان، دعا برای فرج نزدیک ترین و مطمئن ترین وسیله برای جلب عنایت آن حضرت می باشد.

از این رهگذر هنگامی که دعبل خزاعی در اشعار معروف خود از قیام شکوهمند آن حضرت سخن گفت، امام رضا علیه السلام برخاستند، دست مبارک خود را بر سر نهاده، در مقابل نام آن حضرت احترام کردند و برای فرج آن حضرت دعا فرمودند.(۱)

جالب توجّه است که امام صادق علیه السلام بیش از یک قرن پیش از میلاد آن حضرت و امام رضا علیه السلام بیش از نیم قرن پیش از تولّد آن حضرت چنین تعظیم و تکریم نمودند و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا فرمودند.

پس ما که در دریای متلاطم عصر غیبت فرورفته ایم و امواج سهمگین فتنه ها را بر شانه های خود احساس می کنیم، چگونه برای تعجیل در امر فرج تضرّع نکنیم؟!

۱- ۱ _ تستری، قاموس الرجال، ج۴، ص۲۹۰.

اوقات استجابت دعا

اشاره

در همه لحظات عمر شایسته است که انسان برای صاحب عصر و زمان دعا کند، ولی در برخی از اوقات تأکید بیشتری شده و از معصومین علیهم السلام برای آن ساعات دعاهای خاصّی رسیده است، که به برخی از آنها فقط اشاره می کنیم:

۱ _ به دنبال هر نماز واجب

شیخ صدوق رحمه الله روایت کرده که پس از هر نماز واجب گفته شود:

رَضِیتُ بِاللّه رَبّاً وَ بِالْاءِسْلامِ دِینا وَ بِالْقُرْآنِ کِتَابا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَ بِعَلِیٍّ وَلِیّاً وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ أَئِمَّهً.

اللَّهُمَّ وَلِیَّکَ الْحُجَّهَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ امْدُدْ لَهُ فِی عُمُرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِکَ الْمُنْتَصِرَ لِدِینِکَ وَ أَرِهِ مَا یُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَیْنُهُ فی نَفْسِهِ وَ فی ذُرِّیَّتِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فی شِیعَتِهِ وَ فی عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا یَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِیهِمْ مَا یُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَیْنُهُ وَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُوءْمِنِین.

بارالها! ولی و حجّت خود را از رو به رو، از پشت سر، از چپ و راست، از بالای سر و پایین پایش محافظت بفرما.

خدایا! عمرش را طولانی بگردان، او را قیام کننده به فرمان تو و یاری دهنده به دین تو قرار بده.

ص: ۵۲

خدایا! آنچه را که دوست می دارد و دیدگانش با آن روشن می شود، در مورد خودش، ذریّه اش، خانواده اش، اموالش، شیعیان و دشمنانش عنایت بفرما.

دشمنانش را از آنچه می هراسند بر سرشان فرود آور، و به آن حضرت در مورد دشمنانش آنچه دوست دارد و با آن دیدگان ولی ات روشن می شود بنمایان، دل های ما و دل های مؤمنان را تشفّی عنایت بفرما.(۱)

۲ _ بعد از نماز عصر

محمد بن بشیر ازدی دعای مفصّلی از حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام نقل کرده که بعد از نماز عصر می خواند،(۲) در فرازی از آن آمده است:

وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنْتَقِمِ لَکَ مِنْ اَعْدائِکَ، وَاَنْجِزْ لَهُ ما وَعَدْتَهُ، یاذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ ؛

و این که در فرج منتقم خود از دشمنانت تعجیل فرموده، آنچه را به او وعده داده ای به انجاز برسانی، ای صاحب جلال و کرم.

۱- ۱ _ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص۳۱۵، ح۹۵۹.

۲- ۲ _ اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ، الاْوَّلُ وَالْاخِرُ، وَالظّاهِرُ وَالْباطِنُ، اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ، اِلَیْکَ زِیادَهُ الاْشْیاءِ وَنُقْصانُها، وَاَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَیْرِ مَعُونَهٍ مِنْ غَیْرِکَ، وَلا حاجَهٍ اِلَیْهِمْ اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ، مِنْکَ الْمَشِیَّهُ، وَاِلَیْکَ الْبَدْءُ، اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَخالِقَ الْقَبْلِ، اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَخالِقَ الْبَعْدِ اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ، تَمْحُو ما تَشاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَکَ اُمُّ الْکِتابِ اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ، غایَهُ کُلِّ شَیْءٍ وَوارِثُهُ، اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ، لا یَعْزُبُ عَنْکَ الدَّقیقُ وَلاَ الْجَلیلُ، اَ نْتَ اللّه ُلا اِلهَ اِلاّ اَ نْتَ لاتَخْفی عَلَیْکَ اللُّغاتُ، وَلا تَتَشابَهُ عَلَیْکَ الاْصْواتُ، کُلَّ یَوْمٍ اَ نْتَ فی شَأْنٍ لا یَشْغَلُکَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عالِمُ الْغَیْبِ وَاَخْفی، دَیّانُ یَوْمِ الدّینِ مُدَبِّرُ الاُْمُورِ، باعِثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ، مُحْیِی الْعِظامِ وَهِیَ رَمیمٌ. اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَیِّ الْقَیُّومِ الَّذی لا یَخیبُ مَنْ سَاَلَکَ بِهِ: اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنْتَقِمِ لَکَ مِنْ اَعْدائِکَ، وَاَنْجِزْ لَهُ ما وَعَدْتَهُ، یاذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ.

راوی پرسید: این دعا در حقّ کیست؟ امام کاظم علیه السلام فرمود:

ذلِکَ الْمَهدیُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه ُعَلیه وَآله ؛

او همان مهدی آل محمّد علیهم السلام می باشد.

آن گاه فصلی در اوصاف کریمه و علایم ظهور حضرتش سخن گفت.(۱)

۳. بعد از نماز شب

شیخ طوسی قدس سره دعای مفصّلی نقل کرده که مستحب است بعد از دو رکعت نخستین نماز شب خوانده شود. در فرازی از آن آمده است:

وَ أنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِیِّک وَ ابْنِ وَلِیِّک وَ تُعَجِّلَ خِزْیَ أَعْدائِهِ ؛

و این که در فرج ولیّ خود و فرزند ولیّ خود تعجیل فرمایی و در خواری و ذلّت دشمنانش تعجیل نمایی.(۲)

۴. بعد از نماز جعفر طیّار

دعای بسیار مفصّلی از حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام به دنبال نماز جعفر طیّار روایت شده که در فرازی از آن آمده است:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَعَلی مَنارِکَ فی عِبادِکَ،الدّاعی اِلَیْکَ بِاِذْنِکَ، الْقائِمِ بِاَمْرِکَ، الْمُؤَدّی عَنْ رَسُولِکَ، عَلَیْهِ وَالِهِ السَّلامُ.

اَللّهُمَّ اِذا اَظْهَرْتَهُ فَاَنْجِزْ لَهُ ما وَعَدْتَهُ، وَسُقْ اِلَیْهِ اَصْحابَهُ، وَانْصُرْهُ وَقَوِّ ناصِریهِ، وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ اَمَلِه، وَاَعْطِه سُؤْلَهُ، وَجَدِّدْ بِه عِزَّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِه..؛

خدایا بر محمّد و آل محمد درود بفرست، و بر مشعل فروزانت در میان بندگان، که به اذن تو به سویت فرامی خواند و به فرمان تو قیام می کند، از سوی رسول تو ابلاغ رسالت می نماید.

۱- ۱ ــ سید ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۲۰۰.

۲- ۲ ــ شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص ۱۴۰.

خـدایا! چون او را ظاهر کردی، وعـده هایت را به انجاز برسان، یارانش را به سوی او گسـیل بدار، او را یاری کن و یارانش را نیرومنـد بگردان، او را به برترین آرزوهـایش برسان، خواسـته هایش را اجابت فرما و به وسـیله او مجـد و عظمت پیامبر اکرم و خاندانش را تجدید بفرما.(۱)

۵. در قنوت های نماز

شهید اوّل از وجود مقدّس مولای متّقیان روایت کرده که در فرازی از قنوت های خود می فرمود:

اَللّهُمَّ اِنّا نَشْـكُو اِلَيْكَ فَقْـدَ نَبِيِّنا، وَغَيْبَهَ اِمامِنا، وَقِلَّهَ عَـدَدِنا، وَكَثْرَهَ عَدُوِّنا، وَتَظاهُرَ الاْعْداءِ عَلَيْنا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنا، فَفَرِّجْ ذلِكَ اللّهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ، وَاِمامِ حَقٍّ نَعْرِفُهُ، اِلهَ الْحَقِّ امينَ رَبَّ الْعالَمينَ ؛

بار خدایا! ما به تو شکایت می کنیم که پیامبر ما از دست ما رفته و امام ما در دسترس ما قرار نگرفته است.

ما به تو شـکایت می کنیم از کمیِ عدد ما، از کثرتِ دشمنان ما، از صف آرایی دشمنان در برابر ما و از سرازیر شدن فتنه ها به سوی ما.

بار خـدایا! این مصـیبت بزرگ را از ما بزدای، با عـدالتی که می گسترانی و امام حقّی که ما او را می شناسـیم. ای خدای حق، آمین، ای پروردگار جهانیان.(۲)

با توجّه به شـهادت مولای متّقیان در سال چهل هجری و ولادت امام عصـر علیه السـلام در سال دویست و پنجاه و پنج هجری، معلوم می شود که امیر مؤمنـان علیه السـلام بیش از دویست و پانزده سال پیش از ولادت امام زمان در فراق آن حضـرت چنین سوز و گدازی دارد، پس شیعیان مبتلا به درد فراق و

۱- ۱ ـ سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۹۰.

۲- ۲ ـ شهید اوّل، ذِکری، ص۱۸۴.

گرفتار در امواج فتنه ها و آماج تیرهای دشـمنان، در تمام اوقات شبانه روزی، به ویژه در قنوت های نماز چگونه تضرّع نموده، دست نیـاز به سوی پروردگار دراز نموده، از حوادث جانکاه روزگار شـکایت کرده، رفع اضـطرار از جهان خلقت را با امضای فرج آن حضرت مسألت نمایند.

آنگاه شـهید از امام صادق و امام باقر علیهماالسلام روایت کرده که این قنوت امیر مؤمنان علیه السلام را در قنوت های نمازها، به ویژه در روزهای جمعه بخوانند.(۱)

۶. قنوت روز جمعه

سیـد ابن طـاووس همین قنوت را با انـدک تفاوتی با سلسـله اسـنادش از امام باقر علیه السـلام برای قنوت نماز عصـر روز جمعه روایت کرده است.(۲)

۷. بامدادان

رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام دعای عهد را برای بامدادان انشاء کرده و فرموده است:

هر کس چهل بامـداد به قرائت آن مداومت کند، از یاران قائم ما علیه السـلام می شود و اگر پیش از ظهور آن حضـرت وفات کند، خداوند او را از قبرش بیرون می آورد ــ رجعت می کند ــ .

در فرازی از دعای عهد آمده است:

اَلـلّــهُـمَّ اَرِنِــی الطَّلْعَهَ الرَّشـیدَهَ وَالْغُرَّهَ الْحَمیـدَهَ، وَاکْحُـلْ نـاظِری بِنَظْرَهٍ مِنّی اِلَیْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَـهِّل مَخْرَجَهُ وَاَوْسِـعْ مَنْهَجَهُ وَاسْلُکْ بی مَحَجَّتَهُ، وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ، وَاشْدُدْ اَزْرَهُ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَاعْمُرِ اللّهُمَّ بِه بِلادَکَ، وَاَحْیِ بِه عِبادَکَ ؛

۱- ۱ ــ همان.

۲- ۲ ــ سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص۴۱۵.

خدایا! آن طلعت رشید و پیشانی ستوده را به من بنمایان، دیدگانم را با یک نگاه به سوی او مزیّن بفرما، در فرجش تعجیل نما، و راهش را فراخ بگردان، مرا در راه او وارد کن، فرمانش را نافذ و توانش را مستحکم کن، زمین را توسّط او آباد نما و بندگانت را به دست او زنده بگردان.(۱)

۸. در پگاه جمعه

روز جمعه به آن حضرت اختصاص دارد و لذا بامداد جمعه اهمیّت ویژه دارد، که منتظران ظهور و عاشقان کویش بامدادان جمعه را به دعای ندبه اختصاص داده، با شرکت در جلسات ندبه، نغمه های:

أَیْنَ مُعِزُّ الْاءوْلِیاءِ وَ مُذِلُّ الْاءعْداءِ ؛

کجاست عزّت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان؟

را در فضای شهرها به طنین می آورند.

۹. عصر جمعه

شیخ طوسی و سید ابن طاووس دعایی را برای عصر روز جمعه نقل کرده اند، که به صلوات ابوالحسن ضرّاب اصفهانی مشهور است.

این صلوات در مکّه معظّمه به صورت مکتوب از محضر حضرت ولی عصر علیه السلام به ضرّاب اصفهانی رسیده است.

محدّث قمی از سید بن طاووس نقل کرده که فرموده است:

این صلوات مروی از مولای ما حضرت مهدی صلوات اللّه علیه است، و اگر ترک کردی تعقیب عصر جمعه را به جهت عذری، پس ترک مکن این صلوات را هرگز، به جهت امری که مطّلع کرده ما را خداوند جلّ جلاله به

۱- ۱ _ همو، مصباح الزائر، ص۴۵۶.

آن.(۱)

متن کامل این صلوات را شیخ طوسی در مصباح و غیبت نقل فرموده، در فرازی از آن آمده است:

اَللّـهُمَّ وَصَلِّ عَلی وَلِیِّکَ، الْمُحْیی سُـنَّتِکَ، الْقائِمِ بِاَمْرِکَ، الـدّاعی اِلَیْکَ، الـدَّلیلِ عَلَیْکَ، حُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ، وَخَلیفَتِکَ فی اَرْضِکَ، وَشاهِدِکَ عَلی عِبادِکَ.

اَللّـهُمَّ اَعِزَّ نَصْرَهُ، وَمُدَّ فی عُمْرِه، وَزَیِّنِ الْاَرْضَ بِطُولِ بَقائِه ؛

بار الها! درود بفرست بر ولیّ خود، که زنـده کننده سنّت تو، قیام کننده به فرمان تو، دعوت کننده و راهنما به سوی تو، حجّت تو در میان بندگان، جانشین تو در روی زمین و گواه تو بر بندگانت می باشد.

خدایا نصرتش را گرامی، عمرش را طولانی و زمین را با طول عمرش مزیّن فرما.(۲)

۱۰. شامگاهان

ساعات روز را به دوازده ساعت تقسیم کرده، به دوازده امام علیهم السلام اختصاص داده اند. آخرین ساعت روز، که از هنگام به زردی گراییدن آفتاب تا غروب آن می باشد به حضرت صاحب الزّمان علیه السلام اختصاص دارد.(۳)

شایسته است که آن ساعت را به دعا برای فراج اختصاص بدهند.

۱۱. شام جمعه

آخرین ساعت روز جمعه تعلّق بیشتری به آن حضـرت دارد و دعای سمات از ناحیه مقدّسه برای آن ساعت، شرف صدور یافته است.(۴)

۱- ۱ _ محدّث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه.

۲- ۲ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۷۹ و مصباح المتهجّد، ص۴۰۸.

۳- ۳ _ شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص۵۱۷.

۴- ۴ _ همان، ص۴۱۶.

اختصاص دادن شب های شنبه به زیارت آل یاسین سنّت حسنه ای که سال هاست در شهرهای مختلف میهن اسلامی رواج یافته است.

۱۲. شام پنجشنبه

عرض اعمال، یکی از اعتقادات قطعی ماست، که ریشه قرآنی دارد:

«وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللّه ُعَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُوءْمِنُونَ» ؛

بگو: شما عمل کنید، خدا و پیامبر و مؤمنان اعمال شما را می بینند.(۱)

این آیه شریفه صریح است در این که خداوند، رسول اکرم، و گروهی از مؤمنان اعمال ما را می بینند و شاهد اعمال ما هستند.

ده ها حدیث در ذیل این آیه در مورد عرض اعمال آمده است، یعنی: علاوه بر این که خدا و پیامبر و گروهی از مؤمنان شاهد اعمال ما هستند، اعمال ما به پیامبر اکرم و ائمّه هدی علیهم السلام عرضه می شود.

کلینی رحمه الله با سلسله اسنادش از امام صادق و امام رضا علیهماالسلام روایت کرده که فرمودند:

اعمال همه امّت از خوب و بد، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه می شود.(۲)

از طریق اهل سنّت نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

تُعْرَضُ عَلَیَّ أَعْمالُکُمْ، فَما رَأَیْتُ مِنْ خَیْرٍ حَمِدْتُ اللّه َعَلَیْهِ وَ ما رَأیْتُ مِنْ شَرٍّ اِسْتَغْفَرْتُ اللّه َلَکُمْ ؛

اعمال شما بر من عرضه می شود، آنچه خیر در آن ببینم، خدای را بر آن سپاس گویم و آنچه شرّ در آن ببینم، برای شما طلب مغفرت می نمایم.(۳)

۱- ۱ _ سوره توبه، آیه۱۰۵.
۲- ۲ _ کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۱۹، ح۱ و۶.
۳- ۳ _ هیثمی، مجمع الزوائد، ج۹، ص۲۴.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

منظور از مؤمنان ائمّه علیهم السلام می باشند.(۱)

در احادیث فراوان آمده است که اعمال مردمان روزهای پنجشنبه بر پیامبر اکرم و ائمّه علیهم السلام عرضه می شود.(۲)

صفّار در مورد عرض اعمال بر پیامبر اکرم و ائمّه هدی علیهم السلام ۸۶ روایت نقل کرده است.(۳)

این حدیث از امام باقر علیه السلام به این تعبیر آمده است:

إِنَّ أَعْمالَ الْعِبادِ تُعْرَضُ عَلى نَبِيِّكُمْ، كُلَّ عَشِيَّةِ الْخَميسِ، فَلْيَسْتَحيى أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرِضَ عَلى نَبِيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبيحَ ؛

اعمال بندگان شامگاه هر پنج شنبه بر پیامبرتان عرضه می شود، هر یک از شما حیا کند از اینکه عمل زشتی را بر پیامبر خود عرضه بدارد.(۴)

سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

چرا پیامبر خدا را محزون می کنید؟!

یکی از حاضران گفت: ما چگونه آن حضرت را محزون می کنیم؟ فرمود:

أما تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ، فَإِذا رَأى فيها مَعْصِيَةً، ساءَهُ ذلِكَ، فَلا تَسُوؤُا رَسُولَ اللّه ِ وَ سُرُّوهُ ؛

مگر نمی داند که اعمال شما بر آن حضرت عرضه می شود، هنگامی

۱- ۱ _ کلینی، همان، ح۲.

۲- ۲ _ مجلسی، بحار الانوار، ج۲۳، ص۳۳۳ _ ۳۵۳ (۷۵ حدیث).

۳- ۳ _ صفّار، بصائر الدرجات، ص۴۴۴ _ ۴۶۵، ج۹، باب ۴ _ ۱۳

۴- ۴ _ مجلسی، بحار الانوار: ج۲۳، ص۳۴۴، ح۳۶.

که معصیتی در آن مشاهده کند غمگین می شود، پس رسول خدا را محزون نکنید، بلکه مسرور نمایید.(۱)

ای کاش همه منتظران ظهور، این حدیث را نصب العین خود قرار بدهند و بدانند که گناهان ما موجب رنجش خاطر حضرت بقیّه اللّه اروحنا فداه می شود، برای اینکه قلب شریف آن حضرت را بیش از این آزرده نکنیم، از ارتکاب گناهان اجتناب کنیم و در مقابل، موجبات مسرّت خاطر آن حضرت را فراهم کنیم.

یکی از مهم ترین موجبات مسرّت قلب شریف یوسف زهرا علیهماالسلام کمک کردن به برادران ایمانی می باشد.

داود رقّی عازم حج بود، به پسر عمویش مبلغی انفاق نمود، هنگامی که در مدینه به محضر امام صادق علیه السلام رسید، فرمود:

ای داود، نامه اعمال تو، روز پنجشنبه بر من عرضه شد، صله ارحامت را به پسر عمویت دیدم و خوشحال شدم.(۲)

ای کاش هر یک از خوانندگان گرامی، یک عمل صالح و انفاق شایسته و عمل ماندگار ارزشمندی برای شادی و مسرّت قلب شریف حضرت بقیّه اللّه انجام دهند.

در برخی از احادیث عرض اعمال آمده است که:

اعمال امّت هر روز دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر اکرم و ائمّه هدی علیهم السلام عرضه می شود.(۳)

علاّمه مجلسی از صحیح مسلم نیز نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- ۱ ــ کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۱۹، ح۳.
۲- ۲ ــ مجلسی، بحار الانوار، ج۴۷، ص۹۲، ح ۱۰۰.
۳- ۳ ــ طبرسی، مجمع البیان، ج۵، ص۱۰۴.

هر هفته دو بار، روز دوشنبه و روز پنجشنبه اعمال مردم بر من عرضه می شود.(۱)

آنگاه از سید ابن طاووس نقل کرده که در «جمال الاسبوع» فرموده است:

عرض اعمال در روز دوشنبه و پنجشنبه در آن لحظات پایانی روز است.(۲)

خوشا به حال آن بنده ای که در این روز با اعمال صالح و شایسته اش موجب شود که بر لب های نازک تر از گل یوسف زهرا لبخند رضایتی نقش ببندد.

خوشا به حال کسی که نامه عملش را در این دو روز با دعا بر فرج مولا پایان دهد و پایان بخش اعمالش دعا برای فرج مولا باشد و نظر لطف و محبّت آن حضرت را به این وسیله به خود جلب نماید.

۱۳. شب نیمه شعبان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شب نیمه شعبان را احیا می کرد و اعمال فراوان برای شب نیمه شعبان بیان فرموده است.

امّت اسلامی دو قرن و نیم شب های نیمه شعبان را احیاء نگه می داشتند، ولی راز قداست آن را نمی دانستند، تا در بامداد شب نیمه شعبان ۲۵۵ هجری دوازدهمین امام از برج عصمت و طهارت طلوع کرد، پس راز قداست شب نیمه شعبان بر همگان آشکار گردید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- ۱ _ مجلسی، بحار الانوار، ج۵۹، ص ۴۰.

۲- ۲ _ همان.

هر پنجشنبه اعمال بر من عرضه می شود، چون هلال کامل شود و شب نیمه شعبان فرا رسد، اعمال بر رسول خدا و امیر مؤمنان عرضه می شود، آنگاه در دیوان حکیم استنساخ گردد.(۱)

روی این بیان شام پنجشنبه که پایان هفته است، اعمال یک هفته بر حجّت خدا عرضه می شود و در آخر هر ماه اعمال یک ماه عرضه می شود و در شب نیمه شعبان اعمال یک سال به امضای حجّت خدا می رسد، تا در لوح محو و اثبات عرضه شود.

برخی از عاشقان حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، تقویم جالبی در اسلام آباد پاکستان چاپ می کنند که از پانزده شعبان آغاز می شود و در پانزده شعبان پایان می یابد.

تقویم هایی که بر اساس اوّل ژانویه، اوّل فروردین و اوّل محرم چاپ می شوند، همه اش قراردادی است و تحریف هایی در آن ها شده است، مثلاً تقویم های قمری می بایست از اوّل ربیع الاول شروع شود، که اوّل هجرت می باشد، ولی در عهد خلیفه دوّم دسیسه ای رخ داد، برای کم رنگ کردن لیله المبیت مولا، آن را دو ماه عقب کشیدند و از اوّل محرّم قرار دادند، و لذا ابتکار «مشتاقان نور» در چاپ تقوم «نور» و قرار دادن آن از روز میلاد نور، جالب توجّه و شایان دقّت است.

به هر حال شب نیمه شعبان باید همه عاشقان نور و منتظران ظهور، لحظه ای غفلت نکنند و همه لحظات شب مبارک نیمه را با دعا برای فرج مولا سپری کنند.

ص: ۶۳

۱- ۱ _ مجلسی، بحار الانوار، ج۲۳، ص۳۴۳، ح۲۹.

به ویژه کسانی که توفیق زیارت امام حسین علیه السلام را در آن شب پیدا کنند، که ارواح صد و بیست و چهار هزار پیامبر در آن شب زیر قبّه سالار شهیدان گرد می آیند و فرشتگان برای عرض ادب و تقدیم سلام به پیشگاه حجّت خدا روی زمین می آیند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس بخواهد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کند، در شب نیمه شعبان به زیارت امام حسین علیه السلام شرفیاب شود، که ارواح پیامبران در آن شب برای زیارت امام حسین علیه السلام رخصت می طلبند، پس به آنها اجازه داده می شود.(۱)

در فرازی از دعای مأثور در شب نیمه شعبان آمده است:

اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی خاتِمِهِمْ وَ قائِمِهِم الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَ أَدْرِكْ بِنا أَیّامَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ قِیامَهُ، وَ اجْعَلْنا مِنْ أَنْصارِهِ، وَ اقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ، وَ اكْتُبْنا فی أَعْوانِهِ وَ خُلَصائِهِ، وَ أَحْیِنا فی دَوْلَتِهِ ناعِمینَ وَ بِصُحْبَتِهِ غانِمینَ، وَ بِحَقِّهِ قائِمینَ وَ مِنَ السُّوءِ سالِمینَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ ؛

بارخدیا! بر خاتم و قائم آنها درود بفرست، که از عوالم آنها مخفی می باشد، خدایا ایّام مبارک ظهور وقیامش را برای ما نصیب گردان، ما را از یاورانش قرار بده، خون ما را به خون او مقرون بگردان، ما را از یاران و نزدیکانش ثبت و ضبط بفرما، ما را در دولت او متنعّم بفرما و از مصاحبت او برخوردار بنما، ما را به ادای حقوقش موفّق بدار و از هر ناپسندی سالم نگهدار، ای مهربان ترین مهربانان.(۲)

۱۴. روز نیمه شعبان

ص: ۶۴

۱- ۱ _ سید ابن طاووس، مصباح الزائر، ص۳۱۲.

۲- ۲ _ شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص۸۴۲.

چقدر شایسته است که پیشوایان دین و رهبران آیین روز نیمه شعبان را روز جهانی دعا برای فرج مولا اعلام کنند.

شیعیان شیفته و عاشقان پاکباخته، که در طول دوران غیبت، در مکتب انتظار شب های تاریک و ظلمانی عصر غیبت را، با یاد عزیز سفر کرده، سحر کرده، در انتظار موعود منتظَر، ستاره ها را شماره می کنند، وقت آن است که قدمی فراتر نهاده، دوران «تحسّس» را تجربه کنند.

حضرت یعقوب علیه السلام پس از چهل سال سوختن و گداختن در انتظار حضرت یوسف، به فرزندان خطاکارش فرمان «تحسّس» داد:

«یا بَنِیَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ یُوسُفَ وَ أَخیهِ وَ لا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّه ِ إِنَّهُ لا یَیْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللّه ِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکافِرُونَ» ؛

هان، ای فرزندان من! بروید و از یوسف و برادرش «تحسّس» کنید و از لطف خدا نومید نشوید، که جز قوم کافر کسی از الطاف خداوند مأیوس و نومید نمی شود.(۱)

پیشوایانِ جهان تشیّع برای تحسّس از یوسف زهرا فرمان صادر کنند که ای امّت خطاکار، اعمال شما موجب به درازا کشیده شدن دوران غیبت شده، اینک به خود آیید، از کردار خود توبه نمایید، در چهارگوشه دنیا از یوسف زهرا تحسّس کنید.

گلواژه «تحسُّس» با «تجسُّس» یک فرق اساسی دارد:

تجسّس به معنای جستجو کردن عیوب دیگران است.

تحسّس به معنای جستجو کردن بر اساس احساس و عواطف بشری

۱- ۱ _ سوره یوسف، آیه۸۷.

است.

به تعبیر دیگر: تحسّس در خیر و تجسّس در شرّ به کار می رود.(۱)

هر کس که عـاطفه دارد و حوادث تلـخ و احسـاس کُش روزگـار هنوز همه عواطف و احساسـاتش را از بین نـبرده، بایـد برای رسیدن به یوسف زهرا، مردانه بپاخیزد و در اماکن و مواقف مربوطه به جستجو بپردازد.

شب هـای جمعه شب زیـارتی امـام حسـین علیه السـلام است، هرگز شب جمعه ای پس نمی آیـد که حضـرتش در حرم سالار شهیدان حضور پیدا نکند.

شب هـای عرفه، عیـد قربـان، عیـد فطر، لیـالی قـدر و دیگر شب هـای زیارتی مخصوص، هرگز از این فیض عظمی غفلت نمی ورزد.

شب های مبعث و میلاد پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و عیـد غـدیر، شب های زیارتی مولای متّقیان است و بـدون تردید در حرم مولای متّقیان حضور پیدا میکند.

روزهای عرفه همه ساله در عرفات هستند و در مراسم حج شرکت می کنند.

شیعیـان منتظر بایـد در هر مناسـبتی در امـاکن مربوطه حضور یـافته، پس از توبه و انـابه، بـا احسـاس خاصّ و عواطف پاک، به تحسّس و جست و جوی یوسف زهرا علیهماالسلام بپردازند.

بر فارغ التّحصیلان مکتب انتظار است که گامی فراتر نهاده، در مکتب تحسّـس ثبت نام نموده، با الفبای مکتب تحسّـس آشـنا شوند.

۱۵. شب های عید فطر و قربان

شب ها و روزهای عید فطر و قربان ساعات استجابت دعا هست و باید در رأس همه حوائج دعا برای فرج مولا قرار بگیرد.

۱- ۱ ـ طبرسی، مجمع البیان، ج۵، ص۳۹۲.

در فرازی از دعا که به هنگام حرکت به سوی نماز عید از معصوم علیه السلام رسیده، آمده است:

اَللّهُمَّ اِنّا نَرْغَبُ اِلَیْکَ فی دَوْلَهٍ کَریمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلامَ وَاَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَاَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ اِلی طاعَتِکَ وَالْقادَهِ اِلی سَبیلِکَ، وَتَرْزُقُنا بِها کَرامَهَ الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ ؛

خدایا! ما به سوی تو رغبت می جوییم برای دولت کریمه ای که اسلام و مسلمانان را در آن عزیز، نفاق و منافقان را در آن خوار و ذلیل نمایی، ما را از دعوت کنندگان به اطاعت خود و راهنمایان به راه خود قرار دهی، به این وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی کنی.(۱)

۱۶. شب قدر

شب قدر که قرآن در آن نازل شده، یک شب است و در ماه رمضان، در شب های فرد و در دهه آخر ماه مبارک رمضان است.

جز این که در میان سه شب، (۱۹، ۲۱ و۲۳) و یا در میان دو شب (۲۱ و۲۳) پوشیده شده است.

بر اساس روایات فراوان شب بیست و سوّم همان شب قدر است.(۲)

در شب بیست و سه ماه رمضان، دعای معروف «اَللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ» وارد شده است.

در متن روایت تصریح شده که آن را در شب ۲۳، در همه ماه، در طول روزگار، در هر لحظه ای که برای تو میسّر گردد، آن را در حال ایستاده،

۱- ۱ _ سید ابن طاووس، إقبال الاعمال، ج۱، ص۴۷۶.

۲- ۲ _ شیخ صدوق، الفقیه، ج۲، ص۱۰۳؛ کلینی، الکافی، ج۴، ص۱۵۶ ؛ ثقفی، الغارات، ج۱، ص ۲۵۰ ؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج۱، ص ۲۸۱ ؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج۵، ص ۵۶۰.

نشسته، در حال سجده و در هر حالی تکرار کن.(۱)

یکی از پیشتازان عرصه مهدویّت نقل کرد که مرحوم آیه اللّه خوئی قدس سره فرمودند:

من بیش از پنجاه سال است که ملتزم هستم در قنوت های نماز این دعا را بخوانم.

۱۷. دیگر لیالی قدر

شب ها و روزهای ماه رمضان بسیار مهم و مغتنم است و باید از در همه اوقات این ماه رحمت برای دعا کردن و مسألت نمودن تعجیل در امر فرج بهره برد، بـه ویژه از شـب هـای خـاص و روزهـای خـاص آن، که از آن جمله است، شب شـهادت مولاـی متّقیان، امیر مؤمنان علیه السلام .

حمّـاد بن عیسـی، از حماد بن عثمان نقل کرده که در شب بیست و یکم ماه رمضان به محضـر مقـدّس امام صادق علیه السـلام رسیدم، پرسیدند: ای حماد، غسل کرده ای؟ گفتم: آری. پس حصیری خواست و به من امر فرمود که در کنارشان قرار بگیرم.

چون از نمازها و دعاها فارغ شدیم، اذان صبح شد، غلامان را صدا کرد، اذان و اقامه گفت و نماز صبح را به ایشان اقتدا کرده انجام دادیم.

بعد از تعقیبات نماز به سجده رفت و مدّتی طولانی در حال سجده بود و چیزی از سخنانش نمی شنیدم.

آنگاه یک مناجات طولانی از آن حضرت نقل کرده که در فرازی از آن آمده است:

وَاَنْ تَاْذَنَ لِفَرَجِ مَنْ بِفَرَجِه فَرَجُ اَوْلِیائِکَ وَاَصْفِیائِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَبِه

۱- ۱ _ کلینی، الکافی، ج۴، ص۱۶۲.

تُبیدُ الظّالِمینَ وَتُهْلِکَهُمْ، عَجِّلْ ذلِکَ یارَبَّ الْعالَمینَ... ؛

و این که اجازه بدهی به فرج کسی که فرج اولیا و برگزیدگان از مخلوقاتت به فرج او بستگی دارد و به وسیله او ستمگران را نیست و نابود کنی، پس در آن تعجیل فرما ای پروردگار عالمیان.

پس از اتمام سجده حمّاد پرسید: مگر آن شخص خود شما نیستید؟ فرمود:

لا ذاکَ قائِمُ آلِ مُحمَّدٍ علیهم السلام ؛

نه، او قائم آل محمّد علیهم السلام می باشد.(۱)

ما نیز به پیروی و به فرمان پیشوایان معصوم، در طول سال، در هر فرصتی و در هر حال، به این دعای معروف به: دعای فرج، رطب اللّسان هستیم و به پیروی از مقام شامخ مرجعیّت، در قنوت نمازها به خواندن آن مداومت داریم.

۱۸. روز عید سعید غدیر

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روز عید سعید غدیر، در خطبه ای که در سرزمین غدیر خم، در حضور صد و بیست هزار نفر از اصحاب ایراد فرمود، چندین بار از حضرت مهدی علیه السلام نام برده و بیش از بیست وصف از اوصاف آن حضرت را بر شمرده است.(۲)

بر همه منتظران ظهور و شیفتگان آن امام نور است که در شب و روز عید غدیر به یاد مولا باشند و برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دست به دعا بردارند.

۱- ۱ _ سید ابن طاووس، إقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲- ۲ _ طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۳.

۱۹. روز عاشورا

روز عاشورا روز قیام جهانی حضرت بقیه اللّه اروحنا فداه می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: در شب بیست و سوم ماه رمضان، منادی آسمانی به نام قائم علیه السلام ندا سر می دهد و در روز عاشورا که روز شهادت امام حسین علیه السلام است، قیام می کند.(۱)

وه چه شایسته است که منتقم خون امام حسین علیه السلام قیام شکوهمند خود را در روز شهادت آن حضرت آغاز نماید.

از این رهگذر امر شده که در روز عاشورا، دوستان اهل بیت اینگونه به یکدیگر تسلیت بگویند:

أَعْظَمَ اللّه ُاُجُورَنـا وَ اُجُورَکُمْ بِمُصابِنـا بِالْحُسَـیْنِ وَ جَعَلَنا وَ إیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاءمامِ الْمَهْـدِیِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلام ؛

خداوند پاداش ما و شـما را در مصیبت حضرت حسین علیه السلام افزون کند، ما و شما را از طلب کنندگان خون آن حضرت، به همراه ولیّ اش امام مهدی از خاندان پیامبر علیهم السلام قرار بدهد.(۲)

در فرازی از زیارت عاشورا آمده است:

فَأَسْأَلُ اللّه َالَّذی أَکْرَمَ مَقامَکَ وَ أَکْرَمَنی [بِکَ] أَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ إمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللّه ُعَلَیْهِ وَآلِهِ ؛

از خداونـدی که مقـام تو را گرامی داشـته و مـا را به سـبب شـما گرامی داشـته است، مسـألت می کنم که طلب خون تو را در خدمت امام نصرت یافته از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله برای من ارزانی بدارد.(۳)

۱- ۱ _ شیخ مفید، الإرشاد، ج۲، ص۳۷۹.

۲- ۲ _ شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص۷۷۲.

۳- ۳ _ همان، ص۷۷۵.

و در فرازی دیگر آمده است:

وَاَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکُمْ مَعَ اِمامٍ مَهْدِیٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْکُمْ ؛

و این که خونخواهی شما را برای من روزی کند، در محضر امام هدایتگر، ظاهر و ناطق به حق از شما.(۱)

روی این بیـان بایـد در تمام لحظات روز عاشورا به یاد منتقم خون امام حسـین علیه السـلام و دیگر مظلومان در راسـتای تاریخ بود، و در تمـام لحظات، به ویژه در مجالس و مراسم عزاداری سالار شـهیدان، برای فرج و تعجیل در فرج آن دست انتقام الهی دعا نمود.

۲۰. در مجالس سوگواری

در مجلسـی که مصائب سالار شـهیدان بیان شود، آنجا در حکم حرم امام حسـین علیه السـلام می باشد و دعا در آن مسـتجاب است، از این رهگذر باید در این مجالس برای فرج منتقم خون آن حضرت دعا شود.

صاحب مکیال از یکی از دوسـتان صالح خود نقل می کند که در عالم رؤیا به محضـر حضـرت بقیّه اللّه مشرّف شده، حضرت فرموده است:

در هر مجلسـی که مصائب جدّ شـهیدم ذکر شود، سـپس برای تعجیل در امر فرج من دعا شود، من نیز برای آن شخص دعا می کنم.(۲)

بر این اساس لازم است عاشقان ظهور و شیفتگان آن امام نور، در تمام مشاهد مشرّفه، اماکن مقدّسه و محافل مربوط به خاندان عصـمت و طهارت، از دعا برای تعجیل در امر فرج غفلت نکنند، تا به این وسیله عنایت و مرحمت آن حضرت را به سوی خود معطوف بدارند و رضایت

۱- ۱ _ همان، ص۷۷۶.

۲- ۲ _ موسوی احمد آبادی، مکیال المکارم، ج۱، ص۵۷.

خاطر حجّت خدا را فراهم آورند.

در پایان به این نکته اشاره می کنیم که: آیا امام زمان به دعای ما نیاز دارد؟

نه، هرگز، بلکه این ما هستیم که به جلب خاطر آن حضرت علیه السلام نیاز داریم و دعا برای فرج، یکی از راه های جلب نظر و عنایت آن حضرت می باشد.

از دیگر مسائل جلب عنایت و رضایت خاطر آن حضرت:

۱) صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت.

۲) تلاوت قرآن و تقدیم ثوابش به آن حضرت.

۳) انجام حج و عمره به نیابت از طرف آن حضرت.

۴) زیارت حرم مطهّر ائمّه هدی و تقدیم ثواب آن به آن حضرت.

۵) انجام خیرات و مبرّات و اهدای پاداش آن به آن حضرت.

ص: ۷۲

اماکن استجابت دعا

اشاره

در تمـام نقـاط کره خاکی بایـد خـدا را بخوانیم، ولی در برخی از اماکن متبرّکه احتمال اسـتجابت دعا بیشتر است، که بایـد به هنگام تشرّف به این اماکن مقدّسه فرصت را غنیمت بشماریم و بیش از همه و پیش از همه حوائج خود، برای فرج مولای خود دعا کنیم و اینک به برخی از این اماکن اشاره می کنیم:

۱. مسجد الحرام

حجّاج بیت اللّه الحرام پس از احرام در میقـات ها، بعـد از توبه و انابه، هنگامی که وارد حرم امن الهی می شونـد، هنگامی که دیدگانشان با دیدار خانه خدا روشن می شود، باید اوّلین دعایشان فرج و ظهور صاحب خانه باشد، که هدف اصلی از تشرّف به خانه خدا دیدار حجّت خدا می باشد.

قرآن کریم اشاره لطیفی به این مطلب نموده می فرماید:

«وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ» ؛

در میان مردم برای حجّ فراخوان، تا بیایند به سوی تو.(۱)

اگر هـدف از حـج دیـدار کعبه بود، می فرمود: «یـأتونه» یعنی به سوی آن بیاینـد، ولی چون هـدف دیـدار صاحب خانه است، فرموده: «یأتُوکَ» یعنی به سوی تو بیایند.

هدف از حج در زمان ابراهیم خلیل، دیدار حضرت ابراهیم، درعصر

۱- ۱ _ سوره حج، آیه۲۷.

رسالت دیدار رسول اکرم و در عصر ما دیدار حجّت خدا می باشد.

و لذا باید بیشترین دعا در مسجد الحرام، دعا برای تعجیل در امر فرج باشد.

محمد بن عثمان دوّمین سفیر از سفرای اربعه می گوید:

آن حضرت را در کنار خانه خدا، در قسمت مستجار دیدم که از استار کعبه گرفته بود و عرضه می داشت:

اَللّهُمَّ اِنْتَقِمْ لی مِنْ أعْدائِکَ ؛

خدایا، انتقام مرا از دشمنانت بگیر.(۱)

ما نیز باید به پیروی از امام زمان خود، از استار کعبه گرفته، برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دعا کنیم.

۲. مسجد النبی صلی الله علیه و آله

عزیزانی که در موسم حج و یا برای انجام عمره به شهر مدینه مشرّف می شوند، هنگامی که از درِ جبرئیل وارد مسجد النبی می شوند، با درِ خانه حضرت زهرا علیهاالسلام رو به رو می شوند. مشاهده درِ خانه حضرت زهرا علیهاالسلام ، حوادث تلخ و ناگواری را در همه زائران تداعی می کند، که بی اختیار اذهان متوجّه تهاجم به خانه وحی می شود و در برابر دیدگان مجسّم می شود که گروهی ستمگر، به خانه وحی هجوم آورده اند و تنها یادگار پیامبر را در میان در و دیوار آزرده اند.

مرحوم آیه اللّه قزوینی می فرمود:

حضرت زهرا علیهاالسلام چندین بار در میان در و دیوار به فرزند دلبندش حضرت مهدی علیه السلام متوسل شده، صدای خود را به «یا مهدی» بلند کرد.

۱- ۱ ـ شیخ طوسی، الغیبه، ص۳۶۴ ح ۳۳۰.

زائران سرزمین وحی با مشاهده در خانه حضرت زهرا علیهاالسلام به یاد محسن شهید علیه السلام افتاده، برای متقم خون حضرت محسن دعا می کنند و از خالق منّان تعجیل در امر فرج آن حضرت را مسألت می نمایند.

مشاهده قبور ائمّه بقیع از دیگر عوامل یادآوری مظلومیّت اهلبیت و غربت آنان در وطن خود می باشد و هر قلب آگاهی را به مهم ترین عامل این غربت که همان غیبت حضرت حجّت است، متوجّه می نماید و از اعماق دل دعا برای تعجیل در امر فرج را به دنبال می آورد.

۳. صحرای عرفات

بر اساس روایات فراوان وجود مقدّس حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه همه ساله در مراسم حج شرکت می کند.

روی این بیان، روز عرفه، از ظهر تا مغرب بدون شبهه حجّت خداوند در صحرای عرفات حضور دارند و حجّاج بیت اللّه الحرام در روز عرفه یقین دارند که در فضایی قرار دارند که حجّت خدا نیز در آن فضا قرار دارد و از هوایی استنشاق می کنند که حجّت خدا نیز از همان هوا استنشاق می کند.

از این رهگذر باید فرصت را غنیمت بشمارند و قسمت اعظم وقت خود را به دعا برای تعجیل در امر فرج اختصاص دهند.

اگر چه حجّاج بیت اللّه معمولاً روز عرفه دعای امام حسین و امام زین العابدین علیهماالسلام را در صحرای عرفات می خوانند، ولی شاید غالب آن ها از اختصاص برخی از فرازها به دعا برای فرج آن حضرت غافل باشند.

در فرازی از دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام آمده است:

اَللّهُمَّ امْلَأِ الْاَرْضَ بِهِ عَدْلاً وَقِسْطا كَما مُلِئَتْ ظُلْما وَجَوْرا، وَامْنُنْ بِهِ عَلی فُقَراءِ الْمُسْلِمینَ وَاَرامِلِهِمْ وَمَساكینِهِمْ.

وَاجْعَلْنی مِنْ خِیارِ مَوالیهِ وَشیعَتِه.

اَشَدِّهِمْ لَهُ حُبّا، وَ اَطْوَعِهِمْ لَهُ طَوْعا، وَاَنْفَذِهِمْ لِاَمْرِهِ، وَاَسْرَعِهِمْ اِلی مَرْضاتِه، وَاَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِه، وَاَقْوَمِهِمْ بِاَمْرِه.

وَارْزُقْنِی الشَّهادَةَ بَیْنَ یَدَیْهِ حَتّی اَلْقاکَ وَ اَنْتَ عَنّی راضٍ ؛

خداوندا! زمین را به دست او پر از عدل و داد بفرما، همان گونه که پر از جور و ستم شده است.

خداوندا! به وسیله او بر فقرای مسلمین، بر بیوگان و بینوایان مسلمانان منّت بگذار.

خدایا! مرا از بهترین دوستان و شیعیان آن حضرت قرار بده.

خدایا! مرا از کسانی قرار بده که بیش از همه او را دوست می دارد، بیش از همه از او فرمان می برد، بیش از همه اوامرش را اجرا می کند، بیش از همه برای جلب رضایتش تلاش می کند، بیش از همه سخنانش را می پذیرد و بیش از همه فرمانش را انجام می دهد.

خدایا! شهادت در رکاب آن حضرت را به من روزی بفرما، تا تو را در حالی ملاقات کنم که از من راضی هستی.(۱)

با توجّه به جایگاه رفیع امام سجّاد علیه السلام عظمت این فرازها آشکار می شود. امام سجّاد که خود حجّت خدا و جدّ بزرگوار امام زمان علیه السلام می باشد، در مورد فرزندش این گونه دعا کرده است.

امام سجّاد علیه السلام در سال ۹۵ هجری به شهادت رسیده، و حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در سال ۲۵۵ متولد شده است. در نتیجه به هنگام این دعا بیش از ۱۶۰ سال به تولّد آن حضرت باقی بود.

۱- ۱ _ شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص۶۹۸.

اگر امـام سـجّاد علیه السـلام صـد و شـصت سال پش از ولادت آن حضـرت اینگونه دعا می کنـد، ما که در عصـر غیبت و در تاریکی شب های دیجور زمان زندگی می کنیم، چگونه باید تضرّع و التماس نماییم.

امام سـجّاد علیه السـلام که خود حجّت خـدا و جدّ اعلای امام زمان علیه السـلام می باشد، اگر این گونه در برابر آن حضـرت خضوع می کند، ما چه واژه هایی پیدا کنیم، که بتوانیم از جایگاه رعیّت آن حضرت، در برابرش عرض ادب نماییم.

بسـیار شایسـته است یکبـار دیگر این فرازها را با توجّه قرائت کنیم و جایگاه رفیع و مضامین بلنـد آن را به خاطر بسپاریم، تا به ضرورت تواضع در برابر آن حجّت خدا پی ببریم.

و اگر توفیق تشرّف به زیارت خانه خدا پیدا کردیم، همین الفاظ را در روز عرفه در صحرای عرفات با توجّه کامل تکرار کنیم.

۴. نجف اشرف

اشاره

زائران عتبات عالیات در مسـجد اعظم کوفه، در مسـجد سـهله، در مقام امام مهدی وادی السّـلام و دیگر نقاط حسّاس این شهر بایـد به یاد صاحب عصـر و زمان باشـند و بیشترین وقت خود را در مشاهـد مشـرّفه به این امر مهم اختصاص دهند، از جمله در حرم مطهّر مولای متّقیان امیر مؤمنان علیه السلام که اوّل مظلوم تاریخ است و زائر هنگامی که زمزمه می کند:

أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ ؛

شما اوّلین مظلوم و اولین کسی هستید که حقّش به تاراج رفته است.(۱)

۱- ۱ ـ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۳۰.

طبعا به یاد منتقم خون مظلومان در راستای تاریخ افتاده برای فرجش دعا می کند، همان گونه که شخص مولا علیه السلام در حرم امیر مؤمنان علیه السلام برای فرج خود دعا می کند:

وَ مِنْ دُعاءٍ لَه علیه السلام :

آیه اللّه سید مهدی خرسان، محقّق بی نظیر دوران، مجاور حرم مطهر امیر مؤمنان علیه السلام (۱) بدون واسطه از مرحوم شیخ عبد علی بحرانی نقل می کند که گفت:

روزی در حرم امیر مؤمنان علیه السلام شخصی را دیدم که این دعا را می خواند:

اَللّهُمَّ هذا دینُکَ أَصْبَحَ باکِیا لِفَقْدِ وَلِیِّکَ، فَصَلِّ عَلی مُحمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِیِّکَ رَحْمَهً لِدینِکَ ؛

خداوندا! این دین توست که در نبود ولیّت گریان است، پس بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و در فرج ولیّت، از باب ترحّم بر دین خود تعجیل بفرما.

اَللّهُمَّ هذا کِتابُکَ أَصْبَحَ باکِیا لِفَقْدِ وَلِیکَ، فَصَلِّ عَلی مُحمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِیِّکَ رَحْمَهً لِکِتابِکَ؛

خداوندا! این کتاب توست که در نبود ولیّت گریان است، پس بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و در فرج ولیّت، از باب ترحّم بر کتاب خود تعجیل بفرما.

اَللّهُمَّ وَ هذِهِ أَعْیُنُ الْمُؤْمِنینَ أَصْبَحَتْ باکِیا لِفَقْدِ وَلِیکَ، فَصَلِّ عَلی

۱- ۱ _ آیه اللّه سیّد محمّد مهدی خرسان، صاحب موسوعه ابن ادریس، موسوعه ابن عبّاس، السّجود علی التّربه الحسینیّه، محسن السّبط، مُزیل اللّبس فی مسألتی شقّ القمر وردّ الشمس، علیّ إمام البرره و ده ها اثر ارزشمند دیگر، از حسنات دهر و افاضل علمای عصر می باشد.

مُحمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّکَ رَحْمَهً لِلْمُؤْمِنینَ؛

خداوندا! این دیدگان مؤمنان است که در نبود ولیّت گریان است، پس بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و در فرج ولیّت، از باب ترحّم بر مؤمنان تعجیل بفرما.

شیخ عبد علی بحرانی کوفی گوید: با خود گفتم شاید این شخص امام عصر علیه السلام باشد، در همان لحظه آن شخص از مقابل ضریح به سمت پشت ضریح حرکت کرد، من نیز در جهت مخالف او حرکت کردم تا روی در روی، او را ملاقات کنم ؛ ولی او را ندیدم. به سرعت از حرم خارج شدم، از خادمین و دیگران درباره او سؤال کردم، کسی چیزی نمی دانست. به ذهنم رسید شاید از سمت ایوان طلا خارج شده است، در صحن شریف گشتم ولی او را ندیدم، لذا یقین کردم که این شخص وجود نازنین امام عصر علیه السلام بود، که این گونه برای فرج خود دعا می کرد.(۱)

۵. کربلای معلّی

در همه مشاهد مشرّفه احتمال استجابت دعا هست، لکن حرم مطهّر سالار شهیدان خصوصیّت دارد، در حدیث شریف آمده است:

وَ إجابَهَ الدُّعاءِ تَحتَ قُبَّتِهِ ؛

خداوند منّان استجابت دعارا در زیرگنبد آن حضرت قرار داده

۱- ۱ ـ چند سال پیش به هنگام تشرّف به عتبات عالیات، در نجف اشرف آن را از محضر مقدّس آیه اللّه خرسان استماع کردم و تقاضا نمودم که به خطّ مبارکشان مرقوم فرمایند و عنایت فرمودند. سال گذشته که به ایران آمده بوند، و در شب دوّم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ ق. در قم در بنده منزل در خدمتشان بودیم، تایپ شده آن متن را به محضرشان ارائه دادم، امضا و توشیح فرمودند، دستخطّ مبارکشان در کتابخانه نگارنده موجود است.

است.(۱)

در بسیاری از زیارت های مأثور از امامان معصوم علیهم السلام ، دعا برای تعجیل در امرِ فرجِ خونخواهِ سالار شهیدان آمده است.

در فرازی از زیارتی که ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام روایت کرده، آمده است:

اَللّهُمَّ رَبَّ الْحُسَیْنِ، إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَیْنِ، اَللّهُمَّ رَبَّ الْحُسَیْنِ، اُطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَیْنِ ؛

خدایا! ای پروردگار امام حسین، سینه امام حسین را بهبودی عنایت کن، خداوندا! ای پروردگار حسین علیه السلام خون حسین را بطلب.(۲)

ما نیز از بیان کشّاف الحقایق، امام جعفر صادق علیه السلام الهام گرفته، عرضه می داریم:

یا ربّ الحسین، إشف صدر الحسین، بظهور الحجّه ؛

یا ربّ الحجّه، إشف صدر الحجّه، بظهور الحجّه ؛

یا ربّ المؤمنین، إشف صدور المؤمنین، بظهور الحجّه.

۱۵ رجب ۱۴۳۳ ق.

سالروز ارتحال جانگداز

عقیله العرب، حضرت زینب کبری علیهاالسلام .

علی اکبر مهدی پور

ص: ۸۰

۱- ۱ _ ابن فهد، عدّه الداعی، ص۵۷.

۲- ۲ _ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص۲۳۸، باب ۷۹، ح۱۸.

دعا برای تعجیل در امر فرج از دیدگاه مراجع بزرگ تقلید

چهل سال پیش امام جمعه مسجد صاحب الزمان لکهنو، نامه ای به پیشگاه مراجع بزرگ تقلید نوشته، از آنها برای شیعیان هند کسب تکلیف نموده و اینک پاسخ سه تن از مراجع بزرگ آن روز:

]۱[

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه الّذی جعلنا من المحبّین والنّاصرین والمنتظرین لمولانا المهدی صاحب الزمان، عجّل اللّه تعالی ظهوره وأرواحنا له الفداء.

والصّلاه علی رسول ربّ العالمین، أبی القاسم محمّد صلّی اللّه علیه وآله الطاهرین، سیّما حجّه ابن الحسن المهدی المنتظر، سهّل اللّه تعالی أمر فرجه الشریف.

امّا بعد، شیعیان و مسلمانان جمیع بلاد اسلامی آگاه باشند که در موقعیّت هولناک و زمان عجیبی قرار دارند و از همه جوانب ایمان در معرض خطر است و اوصاف این زمان ناگوار در روایات و کلمات مبارکه ائمّه هدی سلام اللّه علیهم اجمعین مبسوط و مشروح بیان شده است.

اینک موضوع بسیار مهم، وظائف خطیری است که در چنین زمان بر جمیع شیعیان فرض بوده و باید به طور حتم بدان ها توجّه نموده و آنی غفلت نورزند.

۱. بر جمیع گویندگان و وعّاظ محترم در بلاد اسلامی فرض است که

مردم را متوجّه به غوث الهی حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، نموده، و به مردم گوشزد نمایند که آن حضرت متوجّه به جمیع جزئیات اعمال آن ها می باشد و باید در هر امر مشکلی، کوچک و بزرگ، به او پناه برند واستغاثه نمایند و بدانند که با کوچکترین توجه و توسّل به آن جناب، نظر مرحمت آن حضرت را متوجّه خود خواهند دید.

۲. باید بدانند که حقیقت انتظار فرج حضرت _ که از افضل عبادات است _ آن است که هر فرد شیعه و مسلمان، در اعمال و رفتارش در معاشرت ها و معاملات و عبادات ؛ خود را به رنگ غیر مسلمان درنیاورد و از مسیر صحیح اسلامی قدمی فراتر نگذارد و همانطور که امام صادق علیه السلام امر فرموده، هر صبح و شام با عرض سلام و اخلاص به حضرتش تجدید عهد نماید و بر فراقش گریان باشد و شب و روز از خداوند بخواهد که هدایت کننده خلق، نجات دهنده بشر را از پس پرده خارج نماید و اگر کسی لفظا منتظر فرج باشد، ولی در محمل رفتارش خلاف انتظار باشد، مورد سخط الهی است و بداند که حوادث خطرناک این عصر و زمان ایمان او را خواهد ربود.

الّلهمّ صلّ علی محمّد وأهل بیته وعجّل اللهمّ لولیّک الفرج، واجعلنا من أعوانه وأنصاره، وأرنا فی آل محمّد ما یأملون و فی عدوّهم مایحذرون والسلام علینا وعلی عباد اللّه الصالحین.

فی ۱۲ شهر شعبان المعظّم ۱۳۹۲ ق.

سید کاظم تبریزی

[۲]

ص: ۸۲

بسم اللّه الرّحمن الحریم

الحمـد للّه الّـذی خَلَقنـا وهـدانا إلى معرفته وأرشـدنا إلى أبواب رحمته وجعلنـا من محبّی أولیـائه وصـیّرنا من المنتظرین لخـاتم أصفیائه، أعنی حجّه ابن الحسن المهدی عجّل اللّه تعالى ظهوره وأکرمنا برؤیته وفرّج عنّا بدولته.

تمـام جهـان هستی طفیـل وجود حجّت حق بوده و ریزه خوار خوان احسـانش می باشـند. مـدح و ثنـا شـکر الطاف بیکرانش بر جمیع امّت مرحومه از اهمّ واجبـات است. و در این زمـان که مردم غفلت از حق دارنـد و دوران فتنه هـاست، بر جمیع شـیعیان فرض است که در تمام مجالس عمومی و خصوصـی و بعد از صـلوات واجبه و مستحبّه، از خداوند تعجیل در ظهور عزیزش را خواسـتار و قبل از همه خواسته های خود، از خداوند تبارک و تعالی بخواهند که به زودی به دوران غیبت آن امام مبین خاتمه دهد و دوران ظلم و جور را پایان بخشد.

در عرض سـلام به پیشگاه مقدّسش صباحا و مساءً کوشا و پیوسته منتظر امر فرج بوده، در فراق و دوری اش اشکبار باشند و در جمیع حوادث متوجّه به آن حضـرت بوده، و از او نجـات خود را بخواهنـد و سـعی نماینـد در جمیع اعمـال و رفتار به گونه ای باشند که رضای او در آن است.

بر خطبا و وعّاظ محترم فرض و واجب است که در منابر مردم را آشـنا و متوجّه به حضـرتش نموده، که درست ایمان بیاورند و حالت انتظار فرج را در عامّه مردم و به جود آورند. أعاذنا اللّه وایّاکم عن الغفله.

اللّهمّ صلّ وسـلم وزد وبارک علی محمّـد وأهل بیته الطّاهرین، سیّما ولیّ اللّه الأعظم حجّه بن الحسن روحی فـداه، اللهمّ عجّل فرجه وسهّل مخرجه وکثّر أعوانه وأنصاره واجعلنا منهم.

ص: ۸۳

الدّاعی والملتمس الدّعاء من إخواننا المؤمنین

السیّد محمّد هادی الحسینی المیلانی

[۳]

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه الذی أنعم علینا بالإسلام وهدانا إلی معرفه أئمّه الکرام وصیّرنا من منتظری خاتم أوصیائه العظام، والصّلاه علی أشرف أنبیائه ورسله بمحمّد وآله الطّاهرین المکرّمین، سیّما الإمام الأعظم والغوث المعظّم، صاحب العصر والزّمان عجّل اللّه فرجه الشریف.

در این لحظات حسّاس و اوضاع آشفته جهان، که ایمان و اعتقادات و معنویّات مردم شیعه و مسلمان جهان در معرض خطر است، وظیفه خطبا و گویندگان جامعه مسلمان است که تمام مردم را متوجّه به پناه دهنده عالم و غوث اعظم الهی امام عصر ارواحنا له الفداء نمایند و در تمام مجالس و منابر برای تعجیل در ظهور آن بزرگوار دعا نموده و مردم را بر توسّل و استغاثه به آن جناب وادار نمایند، که به زودی آثار عظیم و برکات آن ظاهر خواهد شد.

بر کافّه شیعیان و مسلمانان است که لحظه ای از توجّه غفلت نورزند و منتظر حقیقی آن جناب باشند و در جمیع اعمال با سایر طبقات بشر غیر مسلمان فرق داشته باشند و طبق فرمایش حضرت جعفر بن محمّد الصادق علیه السلام بر غیبتش اشک ریزان، و از دربار عظمت حقّ جلّ و علا تعجیل فرجش را خواستار باشند.

اللّهمّ صلّ علی حبیبک وصفیّک محمّد و آله وعجّل فرج ولیّک وأنجز له ما وعدته وأرنا دولته واجعلنا فی حزبه وأنصاره.

ص: ۸۴

اللّهمّ أعـذه من شـرّ جميع خلقك وانصـره وانتصـر به لـدينك. ولا حول ولا قوّه الّا باللّه والسّـلام على إخوانى المنتظرين لفرجه الشريف خير ختام.

حرّره الدّاعى لهم:

شهاب الدين الحسينى المرعشى النجفى

این سه بیـانیّه چهل سال پیش، در آسـتانه نیمه شـعبان ۱۳۹۲ ه.ق. در پاسخ به نامه شـیخ عابد حسـین هندی، امام جمعه مسـجد صاحب الزمان لکهنو صادر و منتشر شده است.

در همین رابطه بیانیّه دیگری از زعیم حوزه علمیّه نجف اشرف به دسمت ما رسیده، که متن آن را در زیر می آوریم.

[۴]

بسمه تعالی

پوشـیده نیست که اخبار مشـتمل بر حقّ و ترغیب و انتظار فرج و ظهور حضـرت خاتم الأوصیاء و بقیّه اللّه فی الأرضین حجّه بن الحسن صلوات اللّه علیهما وعجّل اللّه تعالی فرجه الشریف، بیش از اندازه مرقوم است. چنانکه انتظار فرج حضرتش نیز یکی از عبادات مورد ترغیب مؤکّد در اخبار است.

بنابراین بسـیار شایسته و به موقع است که حضرت را در همه احوال منظور و مذکور خود، در سرّ و علانیه ساخته و به ذکر حال و مقـال آن حضـرت، که مـایه برقراری جهـان و دوام روزی خلق در آن است و درخواست تعجیـل فرج مبـارک و میمونش از درگاه ذی الجلال، که موجب پایداری عدل و امان است، رطب اللّسان باشیم و مزید برکات وجودش را از

پیشگاه پروردگار رؤف، اعمّ از غیبت و حضورش همیشه خواستار گردیم.

والسلام علیکم ورحمه اللّه برکاته.

فی ۱۲ رمضان المبارك ۹۷ ه.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

ص: ۸۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹